Quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"

Vol. 17 | Issue 1 | Serial 33 | Autumn 2024 | Pages 147-186
Research Paper | Received: 2026/05/07 | Accepted: 2026/06/13
10.30497/ies.2026.250256.2365

Evaluating Energy Price Liberalization Policy from the Perspective of the Ethics of Economic Policymaking

Ali Saeedi: Assistant Professor, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author) a.saeedi@qom.ac.ir | 0000-0001-9379-7650
Mohammad Parsaeian: Assistant Professor, Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Tehran, Iran
mp.iqna@gmail.com | 0000-0001-5682-9932

Abstract

Energy pricing policy has consistently been a controversial issue in Iran. However, in light of the consequences of the recent conflict and its potential convergence with the global energy crisis-which intensifies social, political, and economic risks-the necessity of research in this field has become more evident than ever. Adopting a structured critical analysis approach, this study examines energy price liberalization in Iran through the lens of economic policy ethics. The findings indicate that most policy decisions over the last four decades have been primarily rooted in welfare consequentialism and efficiency metrics. By relying solely on cost-benefit calculations and emphasizing Pareto efficiency, this approach overlooks other vital criteria such as individual and public property rights, fair valuation, and public satisfaction. A systematic review and thematic analysis of 141 research articles on energy subsidies reveal that pre-implementation models predominantly highlighted positive outcomes while underestimating negative impacts. Conversely, post-implementation field studies demonstrate that negative consequences were realized while positive outcomes remained negligible. The evaluation reveals three major flaws: first, an exclusive focus on outcomes at the expense of rights and processes; second, the reduction of consequences to mere welfare and efficiency; and third, the prioritization of uncertain long-term goals over certain short-term impacts. Therefore, given the ethical

weaknesses, methodological flaws, and data heterogeneity, there is an urgent need to rethink the theoretical foundations and practical approaches of energy policymaking.

Keywords: Ethics of Economic Policymaking, Consequentialism, Energy Price Liberalization, Efficiency, Energy Subsidy

JEL Classification: Q48, D63, H23, P48

مطالعات اقتصاد اسلامی
سال هفدهم | شماره اول | پیاپی ۳۳ | پاییز ۱۴۰۳ | صفحات ۱۴۷-۱۸۶
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۷| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳
مقاله مدت ۱۷ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

ارزیابی سیاست آزادسازی قیمت‌های انرژی از منظر اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی

علی سعیدی: استادیار دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
a.saeedi@qom.ac.ir | 0000-0001-9379-7650
محمد پارسائیان: استادیار جهاد دانشگاهی، تهران، ایران
mp.iqna@gmail.com | 0000-0001-5682-9932

چکیده

مسئلهٔ سیاست‌گذاری قیمت انرژی در ایران همواره امری پرمناقشه بوده است، اما در پی تبعات جنگ تحمیلی اخیر و احتمال تقاطع با بحران جهانی انرژی و تشدید ریسک‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اهمیت و ضرورت پژوهش در آن بیش‌ازپیش نمایان شده است. این تحقیق با رویکرد تحلیل انتقادی و ساختاریافته، سیاست آزادسازی قیمت‌های انرژی را در ایران از منظر اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که بیشتر تصمیمات سیاستی طی چهار دههٔ اخیر عمدتاً بر پیامدگرایی رفاهی و معیارهای کارایی مبتنی بوده است. این رویکرد با تکیه صرف بر محاسبات هزینه–فایده و تأکید بر پیامدهای رفاهی و کارایی پارتویی، سایر معیارهای حقوق مالکیت فردی و عمومی، ارزش‌گذاری عادلانه و رضایت عمومی را نادیده می‌گیرد. تحلیل نظام‌مند مطالعات انجام‌شده و تحلیل مضمون ۱۴۱ مقاله علمی- پژوهشی مرتبط با یارانه‌های انرژی نشان می‌دهد تا پیش از اجرای این سیاست‌ها، مدل‌سازی‌ها و پیش‌بینی‌ها عمدتاً بر پیامدهای مثبت تأکید می‌کنند و پیامدهای منفی را کم‌برآورد می‌کنند اما پس از اجرای این سیاست‌ها، مطالعات میدانی بیانگر تحقق پیامدهای منفی و ناچیز بودن ارزش پیامدهای مثبت است. ارزیابی این مطالعات نشان می‌دهد که در این سیاست‌ها نخست، صرفاً به پیامدها توجه شده نه به حقوق و فرایندها؛ دوم، پیامدها منحصر در رفاه و کارایی است و سایر پیامدها مانند رضایت عمومی نادیده گرفته شده؛ سوم، در اولویت‌بندی پیامدهای مختلف، پیامدهای غیرقطعی و بلندمدت بر پیامدهای قطعی و کوتاه‌مدت غلبه پیدا کرده‌اند. ازاین‌رو، اتکای صرف به این چهارچوب محدود پیامدگرایانه با توجه به ضعف در مبانی اخلاقی، مفروضات روش‌شناختی و ناهمگنی داده‌ها در افق زمانی، جهت اثر و درجهٔ قطعیت، ضرورت بازاندیشی در مبانی نظری و رویکردهای عملی سیاست‌گذاری انرژی را ایجاب می‌کند.

واژگان کلیدی: اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی، پیامدگرایی، آزادسازی قیمت انرژی، کارایی، یارانه انرژی

طبقه‌بندی JEL: Q48, D63, H23, P48

۱. مقدمه

حکمرانی انرژی طی چند دهۀ اخیر یکی از چالش‌های پیچیده و پایدار در سیاست‌گذاری اقتصادی ایران بوده است. مسئلۀ اصلی به نبود توازن میان سطح تولید و مصرف برخی حامل‌های انرژی به‌ویژه فراورده‌های نفتی بازمی‌گردد و هرزمانی که شکاف بین این دو بیشتر می‌شود، پرداختن به این مسئله شدت و حدّت بیشتری پیدا می‌کند. تبیین و صورت‌بندی این مسئله در قالب‌های مختلفی انجام شده و طی زمان تحولاتی را تجربه کرده است. اصطلاحات رایج در تحلیل‌های رسمی و رسانه‌ای مانند یارانۀ پنهان، هدفمندی یارانه‌ها، ناترازی انرژی و آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی هر یک به‌نوعی به همین چالش ارجاع می‌دهند و بازتاب اختلاف دیدگاه‌های کارشناسی در رابطه با علل و راهکارهای این مسئله هستند. مسئلۀ اصلی فقط وجود شکاف میان تولید و مصرف نیست بلکه نحوۀ اولویت‌بندی اهداف و معیارها و اصول سیاست‌گذاری انرژی نیز بسیار حائز اهمیت است.

افزون بر این چالش‌های ساختاری، در مقطع کنونی تشدید تنش‌های گیتی‌سیاستی (ژئوپلیتیک) و شرایط بحرانی حاصل از تهاجم آمریکایی- صهیونی به ایران، مسئلۀ امنیت و قیمت‌گذاری انرژی را در وضعیتی به‌مراتب حساس‌تر قرار داده است. احتمال وقوع شوک‌های برون‌زا در بازار جهانی انرژی و جهش سرسام‌آور قیمت‌ها که به‌طور اجتناب‌ناپذیری اقتصاد ایران و جهان را متأثر خواهد ساخت، ضرورت اتخاذ رویکردی مقاومتی، تاب‌آور و همه‌جانبه را دوچندان کرده است. به‌ویژه با توجه به شرایط پرالتهاب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور، هرگونه تغییر شتاب‌زده در قیمت‌های داخلی تحت تأثیر فشارهای خارجی، بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های اجتماعی و معیارهای عدالت و اخلاق، می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.

بنابراین، در سیاست‌گذاری انرژی، معیارهای مختلفی را باید در نظر گرفت تا به تصمیمی قابل دفاع در این زمینه دست یافت. بدین‌ترتیب، در این مقاله به‌دنبال صورت‌بندی و ارزیابی معیارهای سیاست‌گذاری اقتصادی در این زمینه هستیم. برای این منظور، ابتدا تاریخچه این سیاست‌ها را در اقتصاد ایران بررسی می‌کنیم تا چهارچوب کلی غالب را در این زمینه استخراج کنیم. سپس با تحلیل مضمون تقریباً تمام مقالات علمی- پژوهشی منتشرشده در

این زمینه، معیارهای سیاست‌گذاری و مدل‌سازی اقتصادی این سیاست‌ها را تبیین می‌کنیم و درنهایت، به‌نقد و ارزیابی آن‌ها از منظر عدالت اقتصادی می‌پردازیم.

۲. پیشینهٔ تحقیق

مطالعات پیشین مرتبط با مسئلهٔ تحقیق را می‌توان در سه حوزهٔ اصلی دسته‌بندی کرد: یک. مالکیت منابع انرژی و تأثیر آن بر عدالت اجتماعی و توزیع ویژه‌خواری (رانت)؛ دو. یارانه‌های انرژی و تأثیرات توزیع ناعادلانه بر اقتصاد و سه. اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی. بررسی تحقیقات درزمینهٔ مالکیت منابع نفت و گاز نشان می‌دهد که نحوهٔ سیاست‌گذاری در این حوزه تأثیر مستقیمی بر عدالت اجتماعی، توزیع ویژه‌خواری (رانت) و ساختار اقتصادی دارد. حسینی و همکاران (۱۳۹۳) با تمرکز بر سه حوزهٔ حقوق، اقتصاد و سیاست‌گذاری، نشان می‌دهند که شناخت دقیق حقوق مالکیت و ساختار نهادی حاکم بر منابع نفت و گاز، پیش‌نیاز سیاست‌گذاری مؤثر و عادلانه است و بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند موجب ناکارآمدی، توزیع رانت به نفع گروه‌های محدود، تضییع منابع عمومی و افزایش نابرابری شود. بهمئی و آرین (۱۳۹۷) با بررسی تجربهٔ کشورهای مختلف ازجمله ونزوئلا، اندونزی و عراق نشان می‌دهند که درک صحیح از مالکیت عمومی و انتخاب قراردادهای مناسب (مانند قراردادهای مشارکتی) منجر به کاهش ضایعات منابع، افزایش بهره‌وری و توزیع عادلانه‌تر منافع می‌شود. همچنین، سوءتعبیر از مالکیت عمومی می‌تواند به کاهش منافع عمومی و توزیع ناعادلانه منجر شود.

در تحقیقات مربوط به یارانه‌های انرژی، مطالعات متعدد نشان داده‌اند که توزیع ناعادلانه یارانه‌ها می‌تواند نابرابری اقتصادی را تشدید کند. وهابی و هندی (۱۳۸۶) در پژوهش خود نشان می‌دهند که پرداخت یارانه بدون برنامه‌ریزی و هدایت مناسب، نه‌تنها اهداف عدالت اجتماعی را محقق نمی‌کند بلکه مشکلات ساختاری و نهادی را نیز پنهان می‌سازد و باعث ناکارآمدی نظام اقتصادی می‌شود. قربان‌نژاد (۱۳۸۹) با استفاده از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) و شبیه‌سازی پویا (دینامیک) کلان تأکید می‌کند که سیاست‌های قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی به‌شرط همراهی با اصلاحات نهادی، بهبود بهره‌وری، شفافیت و حمایت از بنگاه‌ها می‌تواند نتایج مثبت داشته باشد. ناجی میدانی و ستوده نیاکرانی (۱۳۹۳) با ارائهٔ تحلیل‌های کمی و مدل‌سازی اقتصادسنجی نشان می‌دهند که اصلاح قیمت حامل‌های

انرژی بدون برنامه‌ریزی دقیق و حمایت از بنگاه‌ها می‌تواند به تشدید مشکلات اقتصادی، افزایش هزینه‌ها و کاهش عدالت اجتماعی منجر شود. توکلی (۱۴۰۲–الف) با تحلیل گزاره‌های توصیفی، ارزشی و تجویزی سیاست حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی نشان می‌دهد که این سیاست به‌رغم ادعای عدالت، در عمل اقشار ضعیف را متضرر کرده و سازوکار پیشنهادی آن نیز با عدالت توزیعی همخوان نیست.

مطالعات اخیر در حوزهٔ اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی نسبتاً محدود بوده است. عربی و زندی (۱۳۹۶) با بررسی سیاست‌گذاری اقتصادی از منظر اخلاق فضیلت، به بررسی امکان بهره‌گیری از مکاتب اخلاقی غیرفایده‌گرا در سیاست‌گذاری اقتصادی پرداخته‌اند. همچنین عربی و همکاران (۱۳۹۲) با نقد معیارهای پارتو و فنون هزینه‌وفایده در سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر اصل فایده، مشکلات ابتنای سیاست‌ها بر تک‌مبنای مطلوبیت‌گرایی را بررسی می‌کند. موسوی و توکلی (۱۳۹۹) به بررسی سازوکار اثرگذاری اخلاق هنجاری بر سیاست‌های اقتصادی پرداخته‌اند. درمجموع، این پژوهش‌ها اهمیت رویکرد اقتصادی، نهادی و هنجاری غیرفایده‌گرا در سیاست‌گذاری حامل‌های انرژی را برجسته می‌کنند و نشان می‌دهند که تحقق عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه منابع و بهبود ساختار اقتصادی، مستلزم ترکیب تحلیل مالکیت، معیارهای ارزش‌گذاری و نیز ارزیابی وضعیت ذی‌نفعان مختلف است. برخی مطالعات (ازجمله توکلی، ۱۴۰۲–الف و حسینی و همکاران، ۱۳۹۵) با تمرکز بر نقد فایده‌گرایی و ارائهٔ چهارچوب اخلاقی، نشان می‌دهند که سیاست‌گذاری اقتصادی نیازمند ترکیبی از ارزش‌های اخلاقی، عدالت توزیعی و رویکرد نهادی است تا اثرگذاری اجتماعی و اقتصادی آن به حداکثر برسد. برخی شواهد تجربی و مدل‌سازی اقتصادسنجی (انصاری و سلامی، ۱۳۹۳ و صادقی و همکاران، ۱۳۹۳) نیز نشان می‌دهند که بی‌توجهی به این ابعاد می‌تواند منجر به نابرابری، ناکارآمدی و تضییع منافع عمومی شود. بااین‌حال، در مطالعات حوزهٔ یارانه انرژی و ارزش‌گذاری آن، مبانی اخلاقی سیاست‌گذاری و نظریهٔ عدالت مختار تبیین نشده و صرفاً به توصیف مسئله یا مدل‌سازی آماری آن توجه شده است. در مقاله حاضر تلاش می‌شود نظریهٔ عدالت رایج که از به‌اصطلاح آزادسازی قیمت انرژی پشتیبانی می‌کند، صورت‌بندی شود و سپس سیاست آزادسازی قیمت انرژی از منظر پیامدهای رفاهی، کارایی،

حقوق مالکیت و رضایت عمومی در چهارچوب اقتصاد متعارف ارزیابی و ناکارآمدی آن در سیاست‌گذاری و پیامدهای آتی آن نشان داده شود.

۳. بررسی تاریخی آزادسازی قیمت انرژی در ایران

طرح مسئلهٔ اصلاح قیمت‌های انرژی در ایران به‌لحاظ تاریخی به اواسط دهه شصت و هم‌زمان با پیشنهاد سیاست‌های تعدیل ساختاری توسط بانک جهانی بازمی‌گردد. در آن دوره، گروهی از کارشناسان و مدیران سازمان برنامه تحت تأثیر توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به‌دنبال اصلاح ساختار مالی و بودجه دولت بودند؛ اما به‌دلیل درگیری کشور در جنگ تحمیلی، به سیاست‌های پیشنهادی ایشان تا پایان جنگ توجهی نشد (نیلی، ۱۳۸۵، صص۲۸۳-۲۹۳)؛ اما با پایان جنگ و پذیرش قطعنامه، دولت آقای هاشمی رفسنجانی به این سیاست‌ها روی خوش نشان داد و آن را در قالب برنامه اول توسعهٔ اقتصادی اجتماعی کشور پس از انقلاب اسلامی در دستور کار دولت خود قرار داد. در سال ۱۳۶۹، استقبال گرمی از هیئت اعزامی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به ایران صورت گرفت و آن‌ها در گزارش نهایی خود در مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰ (۸ مرداد ۱۳۶۹) اعلام کردند که جمهوری اسلامی ایران در پی تغییرات عمیق نهادی و ساختاری به‌سوی تعدیل همه‌جانبهٔ اقتصادی است (فرزانه و حسینی، ۱۳۹۹، ص۱۱۶). شاه‌بیت این سیاست لزوم کوچک‌سازی دولت و به‌اصطلاح واقعی‌سازی یا آزادسازی قیمت‌های انرژی بود. نقدی که از این منظر به اقتصاد ایران مطرح می‌شد، این بود که شعارهای عدالت‌طلبانه و محرومیت‌زدایی پس از انقلاب اسلامی باعث شده است دولت انرژی را به قیمتی بسیار ارزان به آحاد مردم تخصیص دهد و این امر باعث انحراف منابع و کاهش کارایی اقتصادی شده است.

اولین‌دورهٔ سیاست‌های تعدیل اقتصادی در سال‌های ابتدایی دههٔ هفتاد اجرا شد و در پی آن نرخ ارز و همچنین قیمت کالاهای اساسی و انرژی به‌شدت افزایش پیدا کرد. تعدیل ساختاری ضربهٔ بی‌سابقه‌ای به اقشار و طبقات فرودست در تاریخ جمهوری اسلامی وارد کرد. بیکاری، تورم و انبوه مشکلات اقتصادی موجب بروز ناآرامی‌هایی در شهرهای بزرگ ایران شد (فرزانه و حسینی، ۱۳۹۹، ص۱۱۸). با بروز پیامدهای منفی این سیاست‌ها و رکوردزنی تاریخی تورم در سال ۱۳۷۴ (حدود ۴۹ درصد) و افزایش نارضایتی‌های عمومی

و اعتراضات در گوشه و کنار کشور (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴)، دولت وقت از ادامهٔ این سیاست‌ها منصرف شد و به تثبیت قیمت‌ها و کنترل بازارها اقدام کرد. این سیاست‌های تثبیت‌گرایانه در دولت بعدی نیز ادامه پیدا کرد و اقتصاد ایران را تا اواسط دههٔ هشتاد با ثبات نسبی در قیمت‌ها و هم‌زمان رشد اقتصادی همراه ساخت.

پس از استقرار دولت نهم و با اتکا به سرمایهٔ اجتماعی داخلی و همچنین، درآمدهای نفتی و قدرت سیاسی و اقتصادی کشور، طرح تحول اقتصادی دولت شامل هفت محور تهیه شد که اولین و مهم‌ترین آن، هدفمندی یارانه‌ها بود. سه هدف اصلی این طرح عبارت بود از: «اصلاح ساختارهای اقتصادی»، «مدیریت مصرف انرژی و غیرانرژی» و نیز «توزیع عادلانهٔ یارانه‌ها» (کاظمی و جلیلی بوالحسنی، ۱۴۰۱، ص۱۲۱). این طرح در دولت دهم با پیوست‌های رسانه‌ای و اقناع گستردهٔ افکار عمومی و همچنین، اعتمادسازی حداکثری میان آحاد مردم اجرا شد. در این طرح، قیمت حامل‌های انرژی در سطح «فوب خلیج‌فارس» تعیین شد و درنتیجه، قیمت بنزین از لیتری ۱۰۰ تومان به ۴۰۰ تومان سهمیه و ۷۰۰ تومان نرخ آزاد تغییر کرد. قیمت گاز خانگی نیز ده برابر و قیمت آب حدود سه برابر افزایش یافت. درعوض، دولت برای حفظ رفاه مصرف‌کنندگان، به هر فرد مبلغ ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان (تقریباً معادل ۴۰ دلار)، به‌صورت ماهانه اختصاص داد. توجیه نظری این بود که با افزایش قیمت حامل‌های انرژی و در کنار آن، جبران نقدی به مصرف‌کنندگان، بدون اینکه رفاه مردم در کل کاهش پیدا کند، می‌توان مصرف این حامل‌ها را کاهش داد. برای اینکه تجربهٔ دههٔ هفتاد تکرار نشود و تضمینی برای پرداخت مداوم این یارانه نقدی وجود داشته باشد، حساب هدفمندی یارانه‌ها از بودجهٔ سالانه جدا شد و دولت مکلف شد درآمدها و مصارف حاصل از هدفمندی را هر سال جدا از بودجه عمومی سالانه، به مجلس ارائه دهد.

در ابتدای دولت یازدهم، درحالی‌که فضای رسانه‌ای و افکار عمومی درگیر مسئلهٔ مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام بود، دولت بنزین یارانه‌ای را از ۴۰۰ به ۷۰۰ و بنزین آزاد را از ۷۰۰ به ۱۰۰۰ تومان افزایش داد. این افزایش بازخورد زیادی در فضای رسانه‌ای نداشت. سایر حامل‌های انرژی نیز در برهه‌های مختلف به‌صورت نامحسوس افزایش یافت بدون اینکه مبلغ یارانه نقدی پرداختی به مردم هیچ تغییری پیدا کند.

اما در سال ۱۳۹۸، دولت دوازدهم به‌یک‌باره دست به افزایش قیمت بنزین زد و بنزین سهمیه‌ای را به ۱۵۰۰ و بنزین آزاد را به ۳۰۰۰ تومان افزایش داد. دولت یارانهٔ نقدی را حدود ۴۰ هزار تومان (و تا سقف حداکثر ۴ نفر برای هر خانواده) افزایش داد اما این اقدام شوک‌درمانی و ناگهانی دولت باعث اعتراضات گسترده در کشور شد. با روی کار آمدن دولت سیزدهم، رویکرد حمایتی دولت از اقشار محروم از یک‌سو و روشنگری اقتصاددانان اسلامی دربارهٔ تأثیرات منفی و فقرگستر این سیاست‌ها از سوی دیگر (توکلی، ۱۴۰۲–ب؛ نظری و همکاران، ۱۴۰۰؛ بخشی دستجردی و همکاران، ۱۴۰۱)، باعث شد دولت زیر بار افزایش قیمت بنزین نرود، اما پس از گذشت کمتر از یک سال با حذف ارز ترجیحی، فشار تورمی زیادی به مردم وارد شد.

دولت چهاردهم که از ابتدا بدون اعلام برنامه مدون، سیاست خود را تبعیت از دیدگاه کارشناسان اعلام کرد، درنهایت پس از یک سال و نیم از آغاز به کار خود، در آذر ۱۴۰۴ قیمت بنزین آزاد را به ۵۰۰۰ تومان افزایش داد و دو سهمیه ۱۵۰۰ تومانی و ۳۰۰۰ تومانی را حفظ کرد تا مانع از اعتراضات مردمی بشود. همراه شدن این افزایش قیمت با افزایش شدید در نرخ ارز و متعاقباً حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، موجی از اعتراضات و اغتشاشات را در کشور به راه انداخت و زمینهٔ مساعدی را برای مداخله و موج‌سواری نهادهای امنیتی ضد انقلاب فراهم ساخت. در اسفند ۱۴۰۴ با حمله به منابع انرژی و نفت در ایران و به‌تبع آن آسیب به منابع انرژی و پالایشگاه‌های کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس، اقتصاد جهانی با یکی از بی‌سابقه‌ترین بحران‌های انرژی مواجه شد. تداوم تنش‌های گیتی‌سیاستی (ژئوپلیتیک) و اختلال در زنجیره تأمین انرژی، منجر به افزایش چشمگیر و نوسانات شدید قیمت جهانی نفت و بنزین گردید.

بررسی روند سیاست‌گذاری قیمت انرژی طی چهار دههٔ اخیر نشان می‌دهد که این موضوع، علاوه بر درگیری با ملاحظات سیاسی، امنیتی و فرهنگی، از دیدگاه اخلاق اقتصادی و نظریهٔ عدالت نیز با چالش‌های حل‌نشده‌ای روبه‌روست. جالب اینجاست که دو طرف مدافعان و مخالفان افزایش قیمت حامل‌های انرژی، دست‌کم بخشی از استدلال‌های خود را به عدالت اقتصادی معطوف می‌کنند. در ادامهٔ مقاله به دسته‌بندی استدلال‌های موافقان و

مخالفان و تحلیل مضمون آن‌ها خواهیم پرداخت؛ اما پیش‌ازآن، لازم است چهارچوب کلی اخلاق سیاست‌گذاری و مسیرهای ارتباط آن با مسائل اقتصادی را تبیین کنیم.

٤. اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی

تنظیم روابط اجتماعی یکی از مهم‌ترین قلمروهای اخلاق به شمار می‌رود؛ براین‌اساس، اگر بپذیریم رسالت علم اقتصاد نیز تنظیم روابط اقتصادی از طریق سازوکارهای تخصیص و توزیع منابع است، ناگزیر باید این دانش را شاخه‌ای از علوم اخلاقی به شمار آوریم. هاسمن و مک‌فرسون (۱۳۹۲) معتقدند اقتصاددانان دست‌کم به چهار دلیل باید به مسائل اخلاقی توجه کنند: نخست، اخلاق کارگزاران اقتصادی بر رفتار آن‌ها و درنتیجه بر پیامدهای اقتصادی اثرگذار است. افزون‌براین، دیدگاه‌های اخلاقی خود اقتصاددان نیز می‌تواند عامدانه یا غیرعامدانه هنجارها و رفتارهای دیگران را متأثر سازد. براین‌اساس، دغدغه‌مندی اقتصاددانان نسبت به خروجی‌های اقتصادی، ناگزیر توجه به اخلاق را نیز می‌طلبد؛ دوم، اقتصاد رفاه استاندارد بر پیش‌فرض‌های اخلاقی بنیادین و درعین‌حال مناقشه‌برانگیزی استوار است که ارزیابی و توسعهٔ آن‌ها بدون التفات به مبانی اخلاقی امکان‌پذیر نیست؛ سوم، دستاوردهای علم اقتصاد باید با آن دسته از تعهدات اخلاقی که بر سیاست عمومی حاکم است، پیوند داشته باشد؛ ازاین‌رو، درک مناسبات میان اقتصاد و سیاست، مستلزم شناخت عمیق این تعهدات است؛ چهارم، اقتصاد اثباتی و هنجاری در تعاملی مستمر با یکدیگر قرار دارد و تبیین این رابطه، نیازمند شناخت اصول اخلاقی حاکم بر آن است (هاسمن و مک‌فرسون، ۱۳۹۲، صص۵۶–۵۷).

درواقع، علم اقتصاد نه‌تنها واجد مبادی اخلاقی خاصی است که ادعای اثباتی و عینی بودن (آفاقی بودن) مطلق آن را مخدوش می‌سازد بلکه به سبب موضوع آن که شامل کنش‌ها و انتخاب‌های انسانی می‌شود، همانند سایر علوم اجتماعی، به‌طور اجتناب‌ناپذیری با تحلیل‌های هنجاری و اخلاقی درهم‌تنیده است. اقتصاددانان ناگزیرند در تحلیل‌های خویش، معیاری برای ارزیابی حُسن و قبح انتخاب‌های اقتصادی (در سطوح فرد، خانوار، بنگاه و دولت) لحاظ کنند؛ هرچند بدان تصریح نکنند یا حتی آن را انکار کنند؛ برای مثال، این گزاره که «مداخلهٔ دولت در بازار به اختلال در تخصیص کارای منابع و کاهش رفاه اجتماعی می‌انجامد»، هرچند در ظاهر توصیفی اثباتی از واقعیت‌های اقتصادی به نظر می‌رسد، اما در بطن خود مبتنی بر این پیش‌فرض

اخلاقی است که «نتایج رفاهی کل جامعه» همان معیار غایی حُسن و قبح است و هر کنشی که به تقلیل این رفاه بینجامد، نامطلوب قلمداد می‌شود. براین‌مبنا، می‌توان استنتاج کرد که سیاست‌گذاری و حکمرانی اقتصادی اساساً مقوله‌ای اخلاقی است و فروکاست آن به تحلیل‌های صرفاً فنی (تکنیکال)، خطایی تقلیل‌گرایانه خواهد بود.

٤-١. اخلاق پیامدگرا و مکتب فایده‌گرایی

جریان غالب اقتصاد، ازآن‌جهت که معیار قضاوت دربارهٔ انتخاب‌های اقتصادی را در پیامدهای آن‌ها جست‌وجو می‌کند، در زمرهٔ اخلاق پیامدگرا قرار می‌گیرد. پیامدگرایی[1] نظریه‌ای اخلاقی است که بر اساس آن، یک تصمیم، قانون یا سیاست تنها زمانی اخلاقاً مجاز است که هیچ جایگزینی با پیامدهای بهتر نداشته باشد. شاکلهٔ سیاست‌گذاری اقتصادی رایج بر مکتب اخلاقی فایده‌گرایی استوار است (رضائی و موحدی، ۱۳۹۹، ص۴۴۸). در این مکتب، «مطلوبیت» یا «فایده»[2] که در ادبیات اقتصاددانان با مفاهیمی چون وجود لذت و نبود درد تطبیق می‌یابد، مبنای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری معرفی می‌شود.

٤-١-١. پیامدهای رفاهی

فایده‌گرایی اخلاق را به‌مثابه حداکثرسازی تابع رفاه اعضای جامعه در نظر می‌گیرد. در نیمهٔ نخست قرن بیستم، اقتصاددانانی چون پیگو،[3] هیکس،[4] کالدور،[5] ساموئلسون[6] و ارو[7] بخش قابل‌توجهی از تلاش‌های نظری خود را به مسائل هنجاری و معیارهای ارزیابی سیاست‌های عمومی اختصاص دادند. ازآنجاکه ارتقای رفاه اجتماعی غایت اصلی سیاست‌گذاری‌های

---

1. consequentialism

۲. Utility: در زبان فارسی، این اصطلاح به مطلوبیت، فایده و بعضاً منفعت و سود برگردان شده است و متأسفانه باعث اختلالات زیادی در فهم آن و در نتیجه قطع ارتباط میان حوزه‌های دانشی اقتصاد و فلسفهٔ اخلاق شده است.

3. Pigou
4. Hicks
5. Caldor
6. Samuelson
7. Arrow

اقتصادی به شمار می‌رود، اقتصاد رفاه به کانون اصلی تحلیل‌های هنجاری در این دانش بدل شده است.

با توجه به تعهد اقتصاددانان به نظریهٔ مطلوبیت در تبیین انتخاب‌های انسان، بدیهی است که آنان سطح مطلوبیت یا میزان ارضای ترجیحات را نیز به‌عنوان معیار اساسی رفاه بشری در ارزیابی‌های خود لحاظ کنند (رک. هاسمن و مک‌فرسون، ۱۳۹۸). بااین‌حال، اقتصاددانان در پژوهش‌های کاربردی غالباً به‌جای سنجش مطلوبیت، بر شاخص‌های آفاقی‌تر نظیر «درآمد واقعی» تمرکز می‌کنند. این رویکرد عموماً راهکاری برای غلبه بر محدودیت‌های آماری و نبود داده‌ها تلقی می‌شود و درآمد واقعی به‌عنوان سنجه‌ای تقریبی و ناقص برای ارزیابی میزان ارضای ترجیحات به کار می‌رود. در سیاست‌گذاری حامل‌های انرژی، این رویکرد در قالب مفاهیمی مانند یارانهٔ پنهان، قیمت واقعی یا جهانی، سیاست‌های قیمتی و آزادسازی قیمت‌ها نمود یافته است.

٤-١-٢. غلبهٔ معیار کارایی بر سایر ملاک‌ها

کارایی در بیان عرفی به معنای بیشترین بهره‌برداری از کمترین امکانات است. در مطالعات اقتصادی، آلفردو پارتو، اقتصاددان ایتالیایی، نقش محوری در تبیین مفهوم کارایی اقتصادی داشته که به‌تبع استاد خود والراس، می‌کوشید با تفکیک حوزهٔ اثباتی از حوزهٔ هنجاری، تحلیل‌هایی عاری از هرگونه قضاوت ارزشی ارائه کند؛ دراین‌راستا، او تعریفی از کارایی مطرح کرد که نسبت به حالت‌های مختلف توزیع بی‌تفاوت باشد. بااین‌حال، کل پروژهٔ فکری پارتو که در قالب اقتصاد رفاه دنبال می‌شود، عملاً در چهارچوب مکتب اخلاقی فایده‌گرایی قرار دارد؛ مکتبی که خود به‌شدت مناقشه‌برانگیز است. به بیان بوکانان (۱۹۵۹)، کارایی به معنای حداکثرسازی خروجی یا بازدهی حاصل از استفاده منابع محدود، مفهومی بی‌معناست مگر آنکه بر نوعی مخرج مشترک یا مقیاس ارزش استوار باشد که بر اساس آن تمامی پیامدهای ممکن سنجیده شوند. برای تصمیم‌گیرندهٔ فردی، معیار کارایی می‌تواند مفهومی مفید باشد، اما ناظر مستقل باید با دقت از گرفتار شدن در مسئلهٔ دانش کلی پرهیز کند. چنین ناظری ناگزیر معیار کارایی را بر اساس «برآورد خود از مقیاس‌های ارزش ذهنی‌اش» صورت‌بندی می‌کند. ازاین‌رو، معیار حداکثرسازی که اقتصاددان به کار می‌گیرد، تماماً مبتنی بر برآورد شخصی او از نظام

ارزشی کنشگران دیگر است. به همین دلیل، بوکانان نتیجه می‌گیرد که «کارایی فرضی» مفهومی مسئله‌دار برای اقتصاد سیاسی است (Buchanan, 1959, p.126).

کارایی یا بهینهٔ پارتویی وضعیتی است که در آن، منابع و مواهب موجود در جامعه به‌گونه‌ای تخصیص یافته‌اند که نتوان با تخصیص مجدد، وضعیت حداقل یک نفر را بهبود داد، بدون اینکه وضعیت دیگران بدتر شود. در وضعیت کارای پارتو، هیچ منبع بلااستفاده‌ای وجود ندارد که بتوان با تخصیص مجدد آن، وضعیت فردی را بهبود بخشید، بی‌آنکه به دیگران آسیبی وارد شود. بر اساس این تعریف، اگر اقتصاد در چنین وضعیتی قرار نداشته باشد و دولت با اتخاذ سیاستی بتواند وضعیتی را رقم بزند که در نتیجهٔ آن، وضعیت دست‌کم یک فرد بهبود یابد و وضعیت هیچ فرد دیگری بدتر نشود، چنین اقدامی یک بهبود پارتویی[1] است که اخلاقاً مطلوب و عادلانه تلقی می‌شود؛ زیرا اقتصاد را از وضعیتی غیربهینه به‌سوی وضعیتی بهینه هدایت می‌کند.

در این رویکرد، سیطرهٔ نگاه پیامدگرایانه به عدالت به‌وضوح مشهود است؛ چراکه معیار درستی و مقبولیت هر سیاست، بر اساس پیامدهای آن و میزان بهبود کارایی اقتصادی ارزیابی می‌شود. بااین‌حال، پرسش بنیادین این است که مطلوبیت اخلاقی کارایی بر چه چیزی استوار است؟ به چه دلیل سایر ارزش‌های اخلاقی نظیر رعایت حقوق، شایستگی‌ها، آزادی‌ها و یا ایفای تکالیف، تعهدات و مسئولیت‌های اجتماعی کنار گذاشته می‌شوند؟ درواقع، نظریهٔ عدالت پشتیبان کارایی پارتویی، بدون ارائهٔ استدلال‌های هنجاری قانع‌کننده و صرفاً با مفروض گرفتن اولویت کارایی بر سایر ارزش‌های اخلاقی، جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی را تعیین می‌کند. اقتصاددانان نوکلاسیک هم با نادیده گرفتن این چالش‌های اخلاقی، از پرداختن به مسئله طفره رفته‌اند.

٤-٢. دلایل توجیهی آزادسازی قیمت انرژی در ایران از منظر اخلاق سیاست‌گذاری

به‌طور تاریخی، قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی در ایران تحت تأثیر عوامل مختلف نهادی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، به‌صورتی رقم خورده است که قیمت انرژی در سبد مصرفی

---

1. Pareto improvement

خانوار و همچنین، در هزینه‌های تولید بنگاه‌ها، نسبت به سایر کالاها و خدمات از سطح پایین‌تری برخوردار است. پایین بودن قیمت نسبی انرژی در ایران باعث شده است که انتقادهای زیادی از جانب طرفداران به‌اصطلاح بازار آزاد مطرح شود. عمدهٔ پژوهش‌های نظری درزمینهٔ اصلاح قیمت انرژی عمدتاً بر تأثیرات رفاهی حاصل از نوسانات قیمتی تکیه می‌کنند (مدنی‌زاده و ابراهیمیان، ۱۳۹۹، ص۷). در ادامه این دلایل توجیهی برای افزایش قیمت انرژی مرور می‌شود.

٤-۲-۱. یارانهٔ پنهان انرژی

یارانهٔ پنهان انرژی اگرچه در فضای رسانه‌ای بسیار پربسامد است اما اصطلاح تعریف‌شده‌ای در علم اقتصاد نیست. یارانه‌ها[1] منافع مالی است که معمولاً توسط دولت‌ها به افراد، مشاغل یا صنایع برای کاهش بار یا ارتقای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی داده می‌شود. این یارانه‌ها می‌تواند مستقیم (پرداخت‌های نقدی) یا غیرمستقیم (تخفیف‌های مالیاتی، کاهش قیمت) باشد؛ اما در مقولهٔ یارانه‌های پنهان، عملاً هیچ‌گونه جریان مالی مستقیمی شکل نمی‌گیرد. در عوض، این مفهوم ماهیتاً بیانگر «هزینهٔ فرصت» ناشی از تخصیص و مصرف داخلی حامل‌های انرژی است.

متداول‌ترین روش برآورد حجم یارانه‌های پنهان، روش شکاف قیمتی[2] است که تفاضل میان قیمت‌های تنظیم‌شده توسط دولت و قیمت‌های سایه‌ای حاکم بر بازار رقابتی را محاسبه می‌کند (علیشیری و همکاران، ۱۴۰۱، ص۷۳). در این رویکرد، تعیین قیمت مرجع به سطح مبادله‌پذیری حامل‌های انرژی وابسته است؛ حامل‌های انرژی نظیر نفت، گاز طبیعی و زغال‌سنگ که قابلیت مبادله در بازارهای بین‌المللی دارد، بر پایهٔ قیمت‌های جهانی و با احتساب هزینه‌های حمل‌ونقل و توزیع محاسبه می‌گردد. چنانچه حامل انرژی تقریباً مبادله‌ناپذیر باشد (مانند برق) یا شاخص قیمتی معتبر بین‌المللی نداشته باشد، مبنای تعیین قیمت مرجع، بهای تمام‌شده شامل مجموع هزینه‌های تولید، انتقال و توزیع خواهد بود (سمیعی‌نسب، ۱۴۰۲، ص۵۱).

---

1. subsidy
2. price gap method

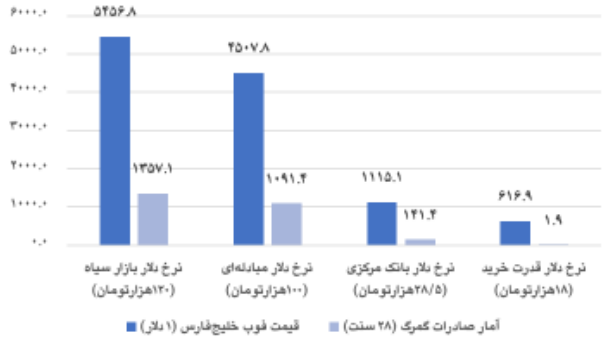
درزمینهٔ سوخت‌های فسیلی، برآورد یارانهٔ پنهان عمدتاً از طریق تفاضل میان قیمت ریالی فرآورده‌های انرژی در داخل با قیمت‌های به‌اصطلاح جهانی نظیر شاخص فوب[1] خلیج فارس محاسبه می‌شود؛ برای نمونه، «بر اساس نرخ‌های پیش از شروع جنگ اخیر ضد ایران»، چنانچه قیمت داخلی هر لیتر بنزین ۵۰۰۰ تومان، شاخص قیمت جهانی آن ۱ دلار و نرخ برابری ارز ۱۲۰،۰۰۰ تومان فرض شود، یارانهٔ پنهان به ازای هر لیتر بنزین معادل ۱۱۵ هزار تومان خواهد بود. با تعمیم این رقم به متوسط مصرف روزانه ۱۳۰ میلیون لیتر، حجم یارانه پنهان روزانه بالغ بر ۱۵ هزار میلیارد تومان و سالانه حدود ۵،۴۵۶ هزار میلیارد تومان (همت) می‌رسد. تجمیع این ارقام با یارانه‌های پنهان سایر فرآورده‌های انرژی، حجم این شاخص را به مقیاس‌های چشمگیری در اقتصاد کلان ارتقا می‌دهد. بااین‌وجود، همان‌گونه که پیشتر تصریح شد، اساساً چنین ارقامی میان دولت و مردم ردوبدل نمی‌شود، صرفاً یک برآورد حسابداری (عدم‌النفع صادراتی) روی کاغذ است.

این محاسبه بر این فرض استوار است که دولت امکان صادرات تمامی فرآورده‌های انرژی با قیمت فوب خلیج فارس داراست؛ فرضی که در شرایط واقعی بازار غیرممکن به نظر می‌رسد. به‌منظور برآورد واقع‌بینانه‌تر، باید تفاضل قیمت ریالی داخل با بهای واقعی صادراتی که بر اساس داده‌های گمرک در سال ۱۴۰۱ (آخرین سالی که آمار صادرات بنزین ثبت شده است) در محدوده ۲۸ سنت است، ملاک محاسبه قرار گیرد که با فرض همان نرخ تسعیر دلار، ارزش بنزین صادراتی حدوداً ۳۳،۶۰۰ تومان و حجم یارانهٔ پنهان به ازای هر لیتر ۲۸،۶۰۰ خواهد بود. در این سناریو، برآورد یارانهٔ پنهان به ارقام ۳،۷۱۸ میلیارد تومان در روز و ۱۳۵۷ همت در سال تعدیل می‌گردد.

چالش روش‌شناختی در این محاسبه، تعیین نرخ ارز مرجع برای تسعیر است؛ برای نمونه، در صورت جایگزینی نرخ بازار سیاه با نرخ دولتی (معادل ۲۸۵۰۰) شکاف قیمتی داخلی و صادراتی به تنها ۲۹۸۰ تومان در هر لیتر تنزل یافته و برآورد یارانهٔ پنهان به ارقام ۳۸۷ میلیارد تومان روزانه و ۱۴۱ همت سالانه کاهش می‌یابد. حساسیت بالای این مدل به تغییر نرخ ارز، امکان ارائهٔ یک تخمین دقیق و فاقد سوگیری را سلب می‌کند. مضافاً چنانچه نرخ تسعیر بر پایهٔ شاخص برابری قدرت خرید (که طبق داده‌های بانک جهانی حدود ۱۲

1. FOB

هزار تومان در سال ۲۰۲۴ است که با احتساب ۵۰ درصد تورم سال ۱۴۰۴، حدوداً ۱۸ هزار تومان می‌شود) لحاظ شود، قیمت بنزین صادراتی به ریال قدرت خرید حدود ۵،۰۴۰ تومان محاسبه می‌شود که تقریباً برابر با نرخ آزاد فعلی بنزین است و دراین‌صورت، اساساً وجود یارانهٔ پنهان در این چهارچوب تحلیلی را منتفی می‌سازد! اهمیت نرخ برابری قدرت خرید ازاین‌جهت اهمیت دارد که مقایسهٔ قیمت‌های داخلی با قیمت‌های خارجی را بر مبنای توان خرید مردم مقایسه می‌کند و این جهت معیار منصفانه‌تری برای مقایسه بین کشورهاست.



نمودار ۱. محاسبهٔ یارانه پنهان سالانه بنزین بر اساس فروض مختلف (ارقام: هزارمیلیارد تومان)

منبع: محاسبات تحقیق

٤-۲-۲. ناترازی انرژی

یکی دیگر از مفاهیمی که در توجیه سیاست آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی مورد استناد قرار می‌گیرد، مسئلهٔ ناترازی انرژی است. ناترازی به شکاف میان تولید و مصرف داخلی دلالت دارد؛ به‌گونه‌ای که پیشی‌گرفتن مصرف از تولید، ضرورت جبران این کسری را از طریق واردات ایجاب می‌کند. بر اساس این استدلال‌ها، پایین بودن سطح قیمت حامل‌های انرژی به تشدید مصرف داخلی انجامیده و کشور را به واردات ناگزیر می‌سازد که این امر، علاوه بر تحمیل هزینه‌های اقتصادی، فشار بودجه‌ای بر دولت تحمیل می‌کند (سمیعی‌نسب، ۱۴۰۲، ص۵۳). افزون‌براین، تداوم ناترازی در بلندمدت به حذف تدریجی ایران از بازارهای جهانی انرژی منجر خواهد شد؛ چراکه با تخصیص تمام تولیدات هیدروکربنی به مصرف داخلی، ظرفیتی برای صادرات باقی نخواهد ماند (سمیعی‌نسب، ۱۴۰۳، ص۲۳).

همچنین، ادعا می‌شود ناترازی انرژی پیامدهای مخاطره‌آمیزی از منظر امنیت ملی به دنبال دارد؛ تا جایی که پیش‌بینی می‌شود، در صورت حفظ رویهٔ کنونی، کشور در آینده به واردکنندهٔ گستردهٔ فرآورده‌های انرژی تبدیل شده و توانایی دولت برای حفظ قیمت‌های فعلی سلب خواهد شد (سمیعی‌نسب، ۱۴۰۳، ص۲۶). در مقابل، رفع این ناترازی منجر به ارزش افزوده بیشتر، رشد اقتصادی، ارتقای سطح رفاه، تحکیم امنیت ملی و توسعهٔ روابط بین‌المللی گردد (حیدری، ۱۴۰۳، ص۶۲۳).

تحلیل استدلال‌های ناظر بر ضرورت رفع ناترازی انرژی نشان می‌دهد که این پدیده فی‌نفسه نامطلوب نیست بلکه منحصراً برخاسته از پیامدهای آن است؛ درواقع، چنانچه ناترازی (کسری) در یک بخش از طریق مازاد تولید در بخشی دیگر جبران‌پذیر باشد و برای نمونه، هزینه‌های تأمین مازاد مصرف یک فرآورده از محل درآمدهای صادراتیِ فرآورده‌ای دیگر پوشش داده شود، ناترازی به‌خودی‌خود بحران‌آفرین نخواهد بود؛ بااین‌همه، ازآنجاکه اخلاق سیاست‌گذاری اقتصادی عمدتاً بر پیامدگرایی رفاهی و معیارهای کارایی متمرکز است، ناترازی صرفاً به‌واسطهٔ پیامدهای نامطلوب طرد می‌شود.

٤-۲-۳. قیمت‌گذاری دستوری

نقد «قیمت‌گذاری دستوری» یا «تثبیت قیمت‌ها» یکی دیگر از دلایل توجیهی آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی به شمار می‌رود. بر مبنای این دیدگاه، تثبیت دستوری قیمت فرآورده‌هایی نظیر بنزین، از یک‌سو تقاضا را تحریک می‌کند و از سوی دیگر، با تحمیل بار مالی فزاینده بر بودجهٔ عمومی در دوره‌های آتی، به تشدید فشارهای تورمی دامن می‌زند (کشاورز حداد و مرتضی‌زاده، ۱۳۸۹، ص۲۶). مضاف بر این، چنین سیاستی با تعمیق شکاف میان تولید و مصرف داخلی، وابستگی را به واردات آن‌ها افزایش می‌دهد؛ اما استدلال بنیادین‌تر بر اختلال در علامت‌دهی قیمت‌ها[1] در تخصیص بهینهٔ منابع در سایر بخش‌های اقتصادی متمرکز است (کشاورز حداد و مرتضی‌زاده، ۱۳۸۹، ص۲۶).

همچنین، سرکوب قیمتی انرژی باعث تضعیف انگیزهٔ ارتقای فناوری در فرایندهای تولیدی و ناوگان حمل‌ونقل شده و منجر به استمرار بهره‌گیری از فنّاوری‌های پایین‌رده و

1. price signaling

افزایش تبعات زیست‌محیطی می‌شود (کشاورز حداد و مرتضی‌زاده، ۱۳۸۹، ص۲۶)؛ اما تثبیت قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تأثیرات رفاهی به همراه دارد؛ تثبیت قیمت به‌ویژه در کالاهای اساسی و نهاده‌های پایه‌ای تولید همچون انرژی موجب کاهش بهای تمام‌شده محصول نهایی و ارائهٔ آن با قیمت پایین‌تر به مصرف‌کننده می‌شود.

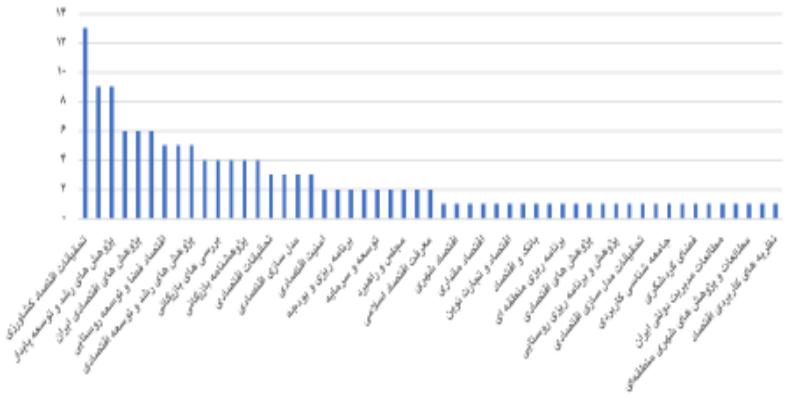
قیمت‌گذاری دستوری از منظر اخلاقی از دو جهت قابل‌بررسی است: در چهارچوب پیامدگرایی، ارزیابی این سیاست منوط به سنجش، وزن‌دهی و مقایسهٔ برآیند پیامدهای مثبت و منفی است تا در صورت امکان‌پذیری محاسبات، بتوان به تصمیم‌گیری مشخصی دست یافت. رویکرد دوم در نقد قیمت‌گذاری دستوری، لزوماً معطوف به پیامدهای آن نیست بلکه به اختلال در نظام قیمت‌گذاری و انحراف در تخصیص منابع اشاره دارد؛ به‌بیان دیگر، اختلال در علامت‌دهی قیمت‌ها در این استدلال به‌خاطر پیامدهای آن نقد نمی‌شود بلکه عمل دست‌کاری قیمت‌ها از حیث ذاتی محل اشکال قرار می‌گیرد. درواقع مسئلهٔ اساسی این است که آیا دست‌کاری در قیمت‌ها فی‌نفسه مقبول است؟ پاسخ به این پرسش، مستقیماً در گرو تبیین این مسئله است که آیا «قیمت‌های دست‌کاری‌نشده عادلانه و منصفانه هستند یا خیر؟».

اگر به هر ترتیبی، اطمینان حاصل شود که قیمت‌های جاری بازار در مراحل قبلی بدون هیچ مداخله و انحرافی از اصول عدالت و انصاف و در طی فرایندی قابل دفاع شکل گرفته است، آنگاه مداخله در این قیمت‌ها به‌صورت دستوری «فی‌نفسه و صرف‌نظر از پیامدهای آن» پذیرفتنی نیست. در مقابل، اگر فرایند کشف قیمت در بازار با چالش‌های اخلاقی و ساختاری نظیر انحصار، احتکار، یا نبود شفافیت در اطلاعات بازار منجر به تعیین این قیمت‌ها شده باشد، آنگاه مشروعیت قیمت‌های تعادلی زایل گردیده و اعمال قیمت‌گذاری دستوری می‌تواند اقدامی مشروع و عادلانه تصور شود. در ادامهٔ مقاله به ارزیابی فرایند قیمت‌گذاری و چالش‌های آن از این منظر خواهیم پرداخت.

٤-٣. چالش‌های ارزیابی پیامدهای سیاست آزادسازی قیمت انرژی

با توجه به اختلاف‌نظرها و دیدگاه‌های متفاوت درزمینهٔ مزایا و معایب آزادسازی قیمت انرژی، در ادامه تلاش می‌شود با تحلیل محتوای پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه، دسته‌بندی نسبتاً جامعی از این دلایل ارائه و ارزیابی شود. برای این منظور، ابتدا با جست‌وجوی

کلیدواژه‌ای «یارانه» در عناوین مقالات علمی پژوهشی (اعم از مجلات اقتصادی، جامعه‌شناسی و رفاه اجتماعی)، بیش از ۲۰۰ مقاله یافت شد که با غربال آن‌ها و کنارگذاشتن مقالات نامرتبط، ۱۴۱ مقاله مرتبط با موضوع حذف یارانه‌های انرژی انتخاب شد. در جدول زیر، عناوین مجلات مختلف به‌ترتیب تعداد مقالات مرتبط در این زمینه آورده شده است.

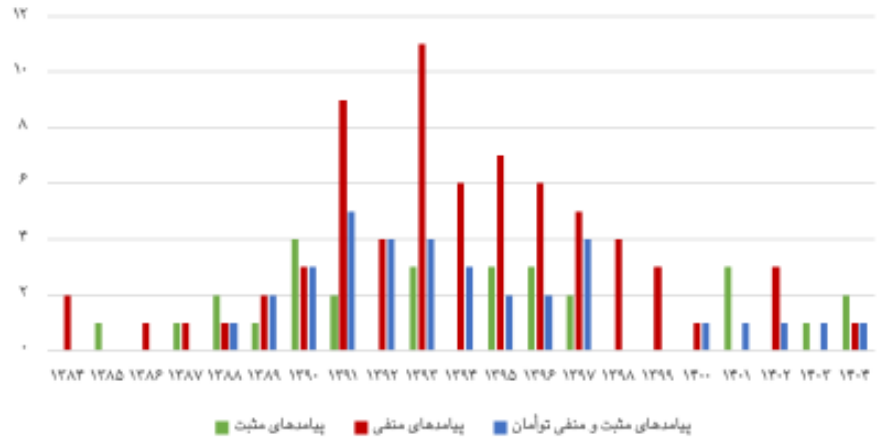


نمودار ۲. پراکندگی مقالات مرتبط با یارانهٔ انرژی در مجلات علمی پژوهشی

منبع: یافته‌های پژوهش

در گام بعد با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، محتوای مطالعات منتخب بررسی و تأثیرات اقتصادیِ مستخرج از الگوهای متنوع مدل‌سازی دسته‌بندی شد. یافته‌های این مرور نظام‌مند، روشن ساخت که تأکید اصلی در مقالات، صرفاً بررسی «پیامدها»ی سیاست‌ها بوده است و سایر ملاک‌های ارزیابی مانند حقوق مالکیت، نظام ارزش‌گذاری و رضایت عمومی نادیده گرفته شده است. همچنین، از میان پیامدهای مختلف قابل‌بررسی، مطالعات انجام‌شده صرفاً به پیامدهای کارایی و رفاهی توجه کرده‌اند.

در ادامه، پیامدهای موردبررسی در چهار مؤلفه «مثبت/ منفی و کوتاه‌مدت/ بلندمدت» طبقه‌بندی شده است. نمودار زیر پراکندگی زمانی این مطالعات را به تفکیک جهت‌گیری آن‌ها نسبت به پیامدهای سیاست آزادسازی (تمرکز بر پیامدهای مثبت، منفی یا بررسی توأمان) به تصویر می‌کشد:



نمودار ۳. پراکندگی زمانی و محتوایی مقالات با تفکیک جهت‌گیری سیاستی

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل روندهای فوق نشان می‌دهد، مقالاتی که پیش از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها نگاشته شده‌اند، عمدتاً به بیان پیامدهای مثبت آزادسازی قیمت انرژی پرداخته‌اند. این دسته از پژوهش‌ها عموماً از طریق مدل‌سازی‌های مبتنی بر داده‌های گذشته و پیش‌بینی روندهای آتی تدوین شده‌اند. بااین‌حال، هم‌زمان با اجرای این طرح از سال ۱۳۸۹ به بعد و با فراهم شدن امکان ارزیابی پیامدهای تحقق‌یافته، سهم مطالعاتی که بر پیامدهای منفی این سیاست تمرکز دارند، به‌طور چشمگیری فزونی یافته است. این بررسی با یافته‌های غلام‌پور راد (۱۳۹۵) و نصراللهی و نیک‌پور (۱۳۹۱) همخوانی دارد که نشان داده‌اند محتواهای رسانه‌ای درزمینهٔ یارانه‌های انرژی، متأثر از رویکردهای پیشینی پدیدآورندگان آن‌هاست. درواقع، تا پیش از پیاده‌سازی طرح، نوعی خوش‌بینی نظری نسبت به تأثیرات و پیامدهای آن بر ادبیات پژوهش حاکم بود، اما با اجرای طرح و آشکار شدن نتایج میدانی آن، توجه به پیامدهای منفی در پژوهش‌های علمی رشد چشمگیری یافت.

از منظر اقتصاد اخلاقی، نکتهٔ حائز اهمیت در واکاوی این روند، تفاوت در سطح قطعیت پیامدهای ارزیابی‌شده است. پیامدهای مثبتی که پیش از اجرای طرح مطرح می‌شدند، عمدتاً مبتنی‌بر حدس و گمان و انتظارات خوش‌بینانه پژوهشگران بودند، ولی پیامدهای منفی عمدتاً پسینی و برآمده از شواهد تجربی بوده و از قطعیت به‌مراتب بالاتری برخوردار بودند؛ بنابراین،

در چهارچوب رویکرد پیامدگرایانه و در مقام وزن‌دهی و قضاوت پیرامون این سیاست، تقابلی میان «پیامدهای مثبت احتمالی و پیشینی» در برابر «پیامدهای منفی قطعی و پسینی» شکل می‌گیرد. براین‌اساس، سیاست آزادسازی قیمت انرژی در عمل مجموعه‌ای از پیامدهای مثبت غیرقطعی در برابر پیامدهای منفی قطعی و محقق‌شده بوده است که این امر کفهٔ ارزیابی را به نفع پیامدهای منفی سنگین‌تر می‌کند.

جدول زیر، پیامدهای ناشی از این سیاست را مبتنی بر تحلیل محتوای مقالات ارائه می‌کند. همان‌گونه که یافته‌های این جدول نشان می‌دهد، تقریباً تمامی مقالات اقتصادی، با رویکرد پیامدگرایی و در چهارچوب اخلاق فایده‌گرا تدوین یافته‌اند و افق ارزیابی پیامدها را منحصراً بر دو مؤلفهٔ کارایی و رفاه محدود ساخته‌اند.

جدول ۱. استخراج انواع پیامدهای مثبت و منفی از مقالات علمی پژوهشی فارسی*

نوع پیامد	پیامدهای مثبت	پیامدهای منفی
پیامدهای کارایی	**کاهش اتلاف منابع** (مصرف بهینهٔ انرژی، کاهش مصرف انرژی، کاهش شدت انرژی) (ابونوری و همکاران ۱۳۸۵؛ حوری جعفری و فرهمندپور ۱۳۸۷؛ ناصری ۱۳۸۸؛ محقر و همکاران ۱۳۹۰؛ محمودزاده و همکاران ۱۳۹۰؛ شکیبایی ۱۳۹۰؛ آسیایی و همکاران ۱۳۹۱؛ ابونوری و مهرعلی ۱۳۹۱؛ موسوی ۱۳۹۳؛ شرزه‌ای و همکاران ۱۳۹۳؛ شهرکی و همکاران ۱۳۹۵؛ محمودپور و همکاران ۱۳۹۵؛ **افزایش تولید** (عبادی و قوام ۱۳۸۸؛ شمشادی و خلیلیان ۱۳۸۹؛ خسروی‌نژاد و همکاران ۱۳۹۵؛ علیشیری و همکاران ۱۴۰۱) **افزایش بهره‌وری** (علیپور و شریعت جعفری ۱۳۹۶؛ سعیدی راد و همکاران ۱۳۹۷)	**افزایش هزینه تولید** (نجفی و فرجزاده ۱۳۸۹-الف؛ سلامی و سرایی‌شاد ۱۳۸۹؛ موسوی و همکاران ۱۳۹۱؛ کریمی‌نژاد و همکاران ۱۳۹۱؛ کشاورز حداد و همکاران ۱۳۹۱؛ بریمانی و امانی ۱۳۹۲؛ ناجی میدانی و ستوده نیاکرانی ۱۳۹۳؛ جعفری و همکاران ۱۳۹۷؛ جلایی اسفندآبادی و افشارپور ۱۳۹۹) **کاهش تولید و اشتغال** (طاهری و همکاران ۱۳۸۹؛ کرباسی و کاتب ۱۳۹۰؛ شاهمرادی و همکاران ۱۳۹۰؛ علیجانی و همکاران ۱۳۹۱؛ موسوی و همکاران ۱۳۹۱؛ شریفی رنانی و همکاران ۱۳۹۱؛ مقیمی فیض‌آبادی و شاهنوشی ۱۳۹۱؛ اسلامی و همکاران ۱۳۹۱؛ عباسیان و اسدبیگی ۱۳۹۱؛ موسوی ۱۳۹۳؛ شیرماهی و همکاران ۱۳۹۳؛ نعمت‌اللهی و همکاران ۱۳۹۴؛ جهانگیرپور و همکاران ۱۳۹۴؛ شهرکی و همکاران ۱۳۹۵؛ کهن‌سال و پرمه ۱۳۹۶؛ عزیزی و فروغی رودسری ۱۳۹۶؛ ابوالحسنی و همکاران ۱۳۹۷؛ سفلایی شهربابک و همکاران ۱۳۹۷؛ فتحی و بخشوده ۱۳۹۸؛ باقری و موسوی ۱۳۹۹؛ آزیک و همکاران ۱۴۰۰) **تغییر الگوی کشت** (پاکروان و همکاران ۱۳۹۰؛ پیش‌بهار و خدابخشی ۱۳۹۳؛ کشیری کلایی و همکاران ۱۳۹۶) **افزایش خام‌فروشی** (محقر و همکاران ۱۳۹۰) **بی‌اثر بودن بر میزان مصرف انرژی** (خرمی مقدم و همکاران ۱۳۹۱، چنگی آشتیانی و جلولی ۱۳۹۱؛ جبل عاملی و گودرزی فراهانی ۱۳۹۲؛ مومیوند و همکاران ۱۳۹۳؛ اکبری و همکاران ۱۳۹۳؛ بزازان و همکاران ۱۳۹۴؛ مولایی و یعقوبی ۱۳۹۴؛ جبل عاملی و گودرزی ۱۳۹۴؛ اکبری و همکاران ۱۳۹۵؛ محمدی یگانه و

نوع پیامد	پیامدهای مثبت	پیامدهای منفی
		همکاران ۱۳۹۶؛ مهینی زاده و همکاران ۱۳۹۶؛ سالم و مروت ۱۳۹۷؛ جلایی و همکاران ۱۳۹۷) **افزایش مصرف‌گرایی** (محمدی یگانه و همکاران ۱۳۹۶) **کاهش دستمزد حقیقی** (توکلی ۱۴۰۲)
پیامدهای رفاهی	**افزایش رفاه و درآمد عوامل تولید** (نجفی و فرج‌زاده ۱۳۸۹– الف؛ آماده و همکاران ۱۳۹۳؛ صادقی و همکاران ۱۳۹۳؛ اشرفی و صیامی عراقی ۱۳۹۵؛ ریاحی و سلطان‌آبادی ۱۳۹۷؛ ابوالحسنی و همکاران ۱۳۹۷؛ محمدی و همکاران ۱۳۹۷؛ حمزه‌ای و همکاران ۱۴۰۱؛ سعیدی راد و همکاران ۱۴۰۱؛ ذاکری‌نیا و فضلی ۱۴۰۳) **کاهش احساس نابرابری/ افزایش انسجام خانواده‌ها** (سلطانی و حیدری منور ۱۳۹۹)	**کاهش رفاه مصرف‌کنندگان** (کاهش درآمد و قدرت خرید خانوار، افزایش هزینه خانوار، افزایش فقر) (نجفی و فرج‌زاده ۱۳۸۹–ب؛ کرباسی و کاتب ۱۳۹۰؛ شاهمرادی و همکاران ۱۳۹۰؛ رضایی‌پور و آقایی خوندابی ۱۳۹۰؛ پرمه و همکاران ۱۳۹۰؛ خرمی مقدم و همکاران ۱۳۹۳؛ حاضری نیری و حسینی‌نسب ۱۳۹۳؛ قاسمی و همکاران ۱۳۹۳؛ شهنازی و همکاران ۱۳۹۳؛ رنجبر و همکاران ۱۳۹۳؛ خوش‌دل و عباسی ۱۳۹۴؛ نعمت‌اللهی و همکاران ۱۳۹۴؛ اسماعیلی صدرآبادی و صمصامی ۱۳۹۵؛ فتحی و بخشوده ۱۳۹۵؛ پروین و مستعلی پارسا ۱۳۹۵؛ نوراللهی و همکاران ۱۳۹۶؛ سهیلی و همکاران ۱۳۹۶؛ مظاهری ماربری و خیابانی ۱۳۹۶؛ صادقی و همکاران ۱۳۹۷؛ آقایاری هیر و همکاران ۱۳۹۷؛ گلی و منیری ۱۳۹۷؛ خدادادکاشی و موسوی جهرمی ۱۳۹۸؛ درویشی و محمدیان ۱۳۹۸؛ باقری و موسوی ۱۳۹۹؛ سلطانی و حیدری منور ۱۳۹۹؛ رئیس‌پور رجبعلی و همکاران ۱۴۰۴؛ صفوی گردینی و همکاران ۱۴۰۴) **افزایش نارضایتی عمومی** (احساس محرومیت و شکاف طبقاتی)، (منصورفر و خلیلی ۱۳۹۳؛ پوراحمد و همکاران ۱۳۹۴؛ ودادهیر و همکاران ۱۳۹۴؛ **کاهش سرمایهٔ اجتماعی** (پارت و همکاران ۱۴۰۰)

نوع پیامد	پیامدهای مثبت	پیامدهای منفی
تغییرات شاخص‌های کلان	**افزایش رشد اقتصادی** (تشکینی و همکاران ۱۳۸۸؛ قربان‌نژاد ۱۳۸۹) **کاهش کسری بودجه** (کاهش مخارج دولت/ افزایش درآمدهای دولت) (نجفی و فرجزاده ۱۳۸۹-ب؛ کرباسی و کاتب ۱۳۹۰؛ اسدی و همکاران ۱۳۹۱؛ اسماعیلی صدرآبادی و صمصامی ۱۳۹۵) **توزیع عادلانه درآمد** (کاهش شکاف درآمدی، کاهش نابرابری درآمد، کاهش ضریب جینی) (ناصری و همکاران ۱۳۸۸؛ عاملی ۱۳۹۰؛ سپهردوست ۱۳۹۲؛ شهنازی و همکاران ۱۳۹۳؛ علی‌مددی و همکاران ۱۳۹۵؛ قربانی و همکاران ۱۳۹۶؛ مظاهری ماربری و خیابانی ۱۳۹۶) **کاهش آلودگی محیط زیست** (آسیایی و همکاران ۱۳۹۱؛ آماده و همکاران ۱۳۹۳؛ اکبری و همکاران ۱۳۹۵؛ آزیک و همکاران ۱۴۰۰؛ محمدی پور ۱۴۰۱؛ جعفری صمیمی و همکاران ۱۴۰۳؛ اصفهانی و باریکانی ۱۴۰۴؛ صیادی و همکاران ۱۴۰۴)	**کاهش رشد اقتصادی** (جعفری صمیمی و همکاران ۱۳۸۴؛ گودرزی و همکاران ۱۳۹۱) **افزایش سطح قیمت‌ها و تورم** (زورارپرمه ۱۳۸۴، وهابی و هندی ۱۳۸۶، شریفی و همکاران ۱۳۸۷؛ کرمی و همکاران ۱۳۸۸؛ پرمه و همکاران ۱۳۹۰؛ شریفی رنانی و همکاران ۱۳۹۱؛ اسدی و همکاران ۱۳۹۱؛ مقیمی فیض‌آبادی و شاهنوشی ۱۳۹۱؛ حسینی‌نسب و حاضری نیری ۱۳۹۱؛ سپهردوست ۱۳۹۲؛ حیدری و ملابهرامی ۱۳۹۲؛ شهنازی و همکاران ۱۳۹۳؛ تشکینی ۱۳۹۳؛ نعمت‌اللهی و همکاران ۱۳۹۴؛ حسینی و همکاران ۱۳۹۵؛ نبی‌زاده و همکاران ۱۳۹۵؛ شهرکی و همکاران ۱۳۹۵؛ ریاحصی و سلطان‌آبادی ۱۳۹۷؛ باقری و موسوی ۱۳۹۹؛ حمزه‌ای و همکاران ۱۴۰۱؛ توکلی ۱۴۰۲؛ ذاکری‌نیا و فضلی ۱۴۰۳) **افزایش نقدینگی** (وهابی و هندی ۱۳۸۶؛ حیدری و ملابهرامی ۱۳۹۲) **کاهش امنیت غذایی** (عزیزی و همکاران ۱۳۹۵) **کاهش امنیت انرژی** (افزایش ریسک انرژی) (حسینی و همکاران ۱۳۹۵؛ صادقی و همکاران ۱۳۹۷) **افزایش توزیع ناعادلانه درآمد** (افزایش شکاف درآمدی) (انصاری و سلامی ۱۳۹۳؛ حسینی و همکاران ۱۳۹۵؛ صادقی و همکاران ۱۳۹۷؛ توکلی ۱۴۰۲) **افزایش وابستگی و کاهش خودکفایی** (سفلایی شهر بابک و همکاران ۱۳۹۷)

* اثرات کوتاه‌مدت به رنگ قرمز و اثرات بلندمدت به رنگ آبی مشخص شده‌اند.

منبع: یافته‌های پژوهش

به‌منظور تبیین دقیق‌تر، در نمودار بعدی تلاش شده است تا پیامدهای احصاشده از دو منظر «جهت اثر» (مثبت یا منفی بودن) و «افق زمانی اثر» (کوتاه‌مدت یا بلندمدت) طبقه‌بندی شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مدافعان حذف یارانه‌های انرژی و آزادسازی قیمت آن‌ها عمدتاً بر پیامدهای مثبت و بلندمدت تأکید کرده‌اند و مخالفان آن بر پیامدهای منفی و کوتاه‌مدت. نکتهٔ حائز اهمیت، وجود تناقضات تحلیلی میان برخی از یافته‌های پژوهشگران است؛ به‌گونه‌ای که برخی پیامدها دقیقاً نقیض یکدیگر گزارش شده‌اند؛ برای نمونه، برخی مطالعات به‌صراحت افزایش رشد اقتصادی (تشکینی و همکاران، ۱۳۸۸؛ قربان‌نژاد، ۱۳۸۹) و گروهی دیگر کاهش رشد اقتصادی (جعفری صمیمی و همکاران، ۱۳۸۴؛ گودرزی و همکاران، ۱۳۹۱) را به‌عنوان پیامد محتوم این سیاست ارزیابی کرده‌اند. همچنین در شاخص‌های دیگری نظیر زمینهٔ ارتقای سطح رفاه، بهبود توزیع عادلانه درآمد و کاهش شدت انرژی اختلاف‌نظر جدی وجود دارد؛ بااین‌حال، بر سر برخی پیامدهای سلبی ازجمله افزایش نرخ تورم وفاق نسبی وجود دارد.



نمودار ٤. دسته‌بندی پیامدهای سیاست آزادسازی انرژی

منبع: یافته‌های پژوهش

در جمع‌بندی کلی، تحلیل محتوای این آثار پژوهشی، سه یافته بنیادین را برجسته می‌سازد: نخست. تمرکز انحصاری پژوهش‌ها بر پیامدهای سیاست آزادسازی، موجب حاشیه‌رانی و غفلت از سایر ابعاد اساسی ارزیابی سیاست‌گذاری ازجمله مبانی حقوق مالکیت، معیارهای ارزش‌گذاری عادلانه منابع، و اصل جلب رضایت عمومی شده است؛ دوم. تقلیل ارزیابی‌ها و تمرکز بر پیامدهای کارایی و رفاهی، حاکی از سیطرهٔ بلامنازع مکتب فایده‌گرایی بر پژوهش‌های اقتصادی کشور است. این امر نشان می‌دهد که تمامی این مطالعات، مشحون از ارزش‌ها و قضاوت‌های هنجاری مستتر در مکتب فایده‌گرایی در خصوص معیار مطلوبیت سیاست‌ها هستند، بی‌آنکه پژوهشگران لزوماً اظهارنظری دربارهٔ این گرایش یا احتمالاً آگاهی از این سوگیری الگوواره‌ای (پارادایمی) داشته باشند؛ سوم. به دلیل عدم‌تجانس ماهوی پیامدها اعم از تفاوت در افق زمانی (کوتاه‌مدت و بلندمدت)، برای اثر (مثبت و منفی) و درجهٔ قطعیت (قطعی و احتمالی) قرار دادن تمامی آن‌ها در یک سطح تحلیلی و مقایسهٔ وزن آن‌ها امری به‌شدت چالش‌برانگیز و مناقشه‌آمیز است. براین‌اساس، جمع‌بندی نهایی و قضاوت هنجاری پیرامون مطلوبیت یا عدم مطلوبیت سیاست آزادسازی قیمت انرژی، صرفاً با اتکا به پژوهش‌های پیامدگرایانه موجود امکان‌پذیر نیست. ازاین‌رو، ضرورت دارد با عبور از این چهارچوب محدود و اتخاذ یک رویکرد اخلاقی بدیل، ارزیابی جامع‌تری از ابعاد این سیاست صورت پذیرد تا بتوان قضاوتی متقن‌تر پیرامون ابعاد اخلاقی و اقتصادی آن ارائه کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی جامع سیاست آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی در ایران نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌های رایج در چهار دههٔ گذشته عمدتاً متأثر از الگوواره (پارادایم) فایده‌گرایی و پیامدگرایی رفاهی بوده است. این رویکرد با تکیهٔ صرف بر پیامدهای کارایی و رفاه، سیاست‌گذاری اقتصادی را به معیارهای محدود و پرمناقشه فروکاسته است و سایر ابعاد و ملاحظات سیاست‌گذاری را نادیده گرفته است. اینکه چرا برای ارزیابی یک سیاست صرفاً باید به پیامدهای آن توجه کرد و چرا از میان پیامدهای متعدد، باید منحصراً بر کارایی و رفاه متمرکز شد، مسائلی است که بدون بحث و تحلیل کافی و عمیق در مطالعات اقتصادی رایج، به‌راحتی کنار گذاشته شده است. بازخوانی تاریخی سیاست آزادسازی قیمت انرژی از دههٔ ۱۳۶۰ تاکنون

مؤید آن است که این سیاست در ایران عمدتاً در بستر نسخه‌های تعدیل ساختاری، کوچک‌سازی دولت و واقعی‌سازی قیمت‌ها مطرح شده است؛ تکرار الگوی ثابت «طرح ادعای ناکارآمدی قیمت‌های پایین»، «تأکید بر منطق کارایی و کاهش فشار بودجه‌ای» و سپس، «بروز پیامدهای سنگین اجتماعی و اقتصادی» در اثر اصلاح قیمتی از دههٔ هفتاد تاکنون، علاوه بر اثبات نبود نهاد یادگیرنده در حاکمیت، نشان می‌دهد که هرگونه داوری دربارهٔ مطلوبیت آزادسازی قیمت انرژی، بدون لحاظ این زمینه نهادی و سیاسی، به‌ناچار تقلیل‌گرایانه خواهد بود.

بسنده کردن به دو شاخص بیشینه‌سازی رفاه یا بهبود کارایی دربارهٔ درستی سیاست عمومی، اگرچه امری رایج در اقتصاد متعارف است، اما نادیده‌انگاری معیارهایی چون مالکیت عمومی، عدالت توزیعی، امنیت معیشتی، رضایت اجتماعی و مشروعیت سیاسی مسئله‌ای مناقشه‌برانگیز از منظر فلسفهٔ اخلاق است که غالباً بدیهی انگاشته و طرح و بحث نمی‌شود. استدلال‌های متداول در دفاع از آزادسازی قیمت انرژی ازجمله یارانهٔ پنهان، ناترازی انرژی و اختلال ناشی از قیمت‌گذاری دستوری که در این مقاله نقد و بررسی شدند، فاقد برهان کامل اخلاقی یا نهادی بوده و تقریباً همگی بر نوعی محاسبه پیامدگرایانه استوارند.

تحلیل محتوای ۱۴۱ مقالهٔ علمی مرتبط نشان داد که ارزیابی سیاست آزادسازی قیمت‌ها تقریباً به‌طور کامل در چهارچوب سنجش پیامدهای کارایی، رفاهی و شاخص‌های کلان اقتصادی صورت گرفته و عملاً سایر ابعاد مهم سیاست‌گذاری به حاشیه رفته است. نتایج این مرور نظام‌مند نیز حاکی از آن بود که بخش قابل‌توجهی از پیامدهای مثبت ماهیت صرفاً پیش‌بینی و مبتنی بر مدل‌سازی‌های نظری داشته‌اند، درحالی‌که عمدهٔ پیامدهای منفی پس از اجرای سیاست‌ها و بر اساس داده‌های تجربی گزارش شده‌اند. همچنین، بروز پیامدهایی چون افزایش تورم و هزینه‌های تولید و کاهش قدرت خرید مردم و طرح شواهد ناکامی سیاست آزادسازی قیمت انرژی در تحقق برخی اهداف اعلام‌شده مانند کاهش پایدار مصرف انرژی، اتکای صرف به چهارچوب پیامدگرایانه را با محدودیت‌های جدی مواجه کرده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست آزادسازی قیمت انرژی در ایران را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک راهکار فنی برای اصلاح کارایی اقتصادی تلقی کرد بلکه این سیاست باید در چهارچوبی چندبعدی و در بستر پیچیده‌ای از ملاحظات عدالت اجتماعی، حقوق مالکیت، رضایت جمعی و مشروعیت سیاسی طراحی شود تا از حیث اخلاقی و اجتماعی نیز از

مشروعیت و پایداری لازم برخوردار شود. تجربهٔ تاریخی نیز نشان داده است که سیاست‌های فاقد پشتوانه اجتماعی، حتی در صورت برخورداری از توجیه‌های نظری، با چالش‌های جدی در مرحلهٔ اجرا مواجه خواهند شد.

کتابنامه

آزیک، فریبا؛ موسوی، سید نعمت‌الله و نجفی، بهاءالدین (۱۴۰۰). تحلیل اقتصادی-زیست محیطی اصلاح سیاست پرداخت یارانه نهاده‌های کشاورزی در ایران. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال بیست و نهم، پاییز، شماره ۱۱۵.

آسیایی، محمد؛ خیابانی، ناصر و موسوی، بقیت‌الله (۱۳۹۱). بررسی اثرات زیست‌محیطی حذف یارانه حامل‌های انرژی در بخش صنعت. *اقتصاد محیط زیست و انرژی*، شماره ۴.

آقایاری هیر، مسلم؛ صادقی سقدل، حسین؛ عصاری آرانی، عباس و سحابی، بهرام (۱۳۹۷). تأثیر یارانه نقدی بر الگوی مخارج خانوارهای شهری و روستایی در ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار. سال هجدهم، بهار، شماره ۱.

آماده، حمید؛ غفاری، علیرضا و فرج‌زاده، زکریا (۱۳۹۳). تحلیل اثرات محیط زیستی و رفاهی اصلاح یارانه حامل‌های انرژی (کاربرد الگوی تعادل عمومی محاسبه‌پذیر). *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)*، سال چهارم، زمستان، شماره ۱۳.

ابوالحسنی، لیلی؛ شاهنوشی؛ ناصر؛ دوراندیش، آرش؛ طاهرپور، حمیدرضا و منصوری، هومن (۱۳۹۷). بررسی آثار و تبعات اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در حوزه‌های آرد و نان و گندم. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال بیست و ششم، تابستان، شماره ۱۰۲.

ابونوری، اسماعیل؛ جعفری صمیمی، احمد و محنت‌فر، یوسف (۱۳۸۵). ارزیابی آثار اقتصادی یارانه بنزین بر میزان مصرف آن در ایران: یک تحلیل تجربی (۱۳۵۰-۱۳۸۲). *جستارهای اقتصادی*، شماره ۵.

ابونوری، عباسعلی و مهرعلی، اکرم (۱۳۹۱). تحلیل اثرات یارانه بر تقاضای آب خانگی شهر تهران. *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۴۵.

اسدی، مرتضی؛ حمیدی علمداری، سعیده و عبدی، محمدرضا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حذف تدریجی یارانه‌ها بر مالیات بر ارزش افزوده. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۶۱.

اسلامی اندارگلی، مجید؛ صادقی، حسین؛ قنبری، علی و محمدی خبازان، محمد (۱۳۹۱). اثرات رفاهی نقدینه کردن یارانه‌های انرژی الکتریکی بر اقتصاد ایران. *پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۲.

اسماعیلی صدرآبادی، فروغ و صمصامی، حسین (۱۳۹۵). بررسی اثر گام دوم هدفمندی یارانه‌ها بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران. *اقتصاد مقداری*، ۱۳ (۱).

اشرفی، یکتا و صیامی عراقی، ابراهیم (۱۳۹۵). برآورد تغییرات رفاهی مصرف‌کنندگان در مناطق شهری ایران با تأکید بر هدفمندی یارانه‌ها. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیست و چهارم، بهار، شماره ۷۷.

اصفهانی، سید محمدجعفر و باریکانی، الهام (۱۴۰۴). آثار زیست محیطی کاهش یارانه کودهای شیمیایی (محصولات زراعی شهرستان زرندیه، استان مرکزی). *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، جلد ۳۹، بهار، شماره ۱.

اکبری، نعمت‌الله؛ طالبی، هوشنگ و جلایی، اعظم (۱۳۹۳). تأثیر قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بر مصرف انرژی خانوار (مطالعه موردی: شهر اصفهان). *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)*، سال سوم، تابستان، شماره ۱۱.

اکبری، نعمت‌الله؛ طالبی، هوشنگ و جلایی، اعظم (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مصرف انرژی خانوار پس از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها (مطالعه موردی: شهر اصفهان). *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هفتم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۶۴).

انصاری، وحیده و سلامی، حبیب‌الله (۱۳۹۳). تخصیص درآمدهای حاصل از طرح هدفمندی یارانه‌ها به بخش‌های تولیدی: پیامدهای توزیع درآمدی گزینه‌های مختلف برای خانوارهای ایرانی. *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، ۱۴ (۲).

باقری، مهرداد و موسوی، سید حبیب‌الله (۱۳۹۹). بررسی اثرات هدفمندسازی یارانه انرژی بر رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برنج در ایران: کاربرد مدل برنامه‌ریزی ریاضی قیمت درونزا. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال بیست و هشتم، بهار، شماره ۱۰۹.

بخشی دستجردی، رسول؛ محقق‌نیا، محمدجواد؛ توتونچیان، ایرج؛ عیوضلو، حسین؛ توسلی، محمداسماعیل؛ معصومی‌نیا، غلامعلی؛ یوسفی، احمدعلی؛ حبیبیان نقیبی، مجید؛ رجائی، سید محمدکاظم؛ فراهانی‌فرد، سعید؛ مقصودی، حمیدرضا؛ توکلی، محمدجواد؛ رجائی‌نیا، مهدیه؛ رفیعی آتانی، عطاءالله؛ میرمعزی، سید حسین؛ قنبرزاده، کمیل؛ نعمتی، محمد؛ پیغامی، عادل؛ مختاربند، محمود؛ رجائی باغ‌سیانی، محمد؛ ظاهری، ارسلان و سعیدی، علی (۱۴۰۱)،

سیاست‌های اقتصادی پیشنهادی محققان اقتصاد اسلامی به دولت سیزدهم، تهران: انتشارات آفتاب توسعه. چاپ اول.

بریمانی، فرامرز و امانی، معصومه (۱۳۹۲). بررسی اثرات هدفمندی یارانه‌ها بر افزایش هزینه‌های تولید اعضای تعاونی‌های کشاورزی مورد: شهرستان لنجان. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال دوم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۶).

بزازان، فاطمه و میرحسین موسوی، فرناز قشمی (۱۳۹۴). تأثیر هدفمندی یارانه انرژی برق بر تقاضای خانوارها به تفکیک شهر و روستا در ایران (یک رهیافت سیستمی). *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)*، سال چهارم، بهار، شماره ۱۴.

بهمئی، محمدعلی و آرین، محمد (۱۳۹۷). مالکیت عمومی بر منابع نفتی و تأثیر آن بر انتخاب الگوی قراردادی در حوزهٔ بالادستی صنعت نفت و گاز. *مطالعات حقوق انرژی*، ۴ (۱). ۱-۳۶.

پارت، سمانه، خانزادی، آزاد و کریمی، محمدشریف (۱۴۰۰). تأثیر راهبردهای حمایتی سرمایه اجتماعی با تأکید بر سیاست‌های یارانه‌ای. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال نهم، بهار، شماره ۳۳.

پاکروان، محمدرضا؛ زارع مهرجردی، محمدرضا؛ مهرابی بشرآبادی، حسین و کاظم‌نژاد، مهدی (۱۳۹۰). بررسی آثار حذف حمایت‌های یارانه‌ای دولت بر الگوی کشت محصولات زراعی شهرستان ساری. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۷۵.

پایگاه داده‌های بانک جهانی (مراجعه‌شده در ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۵). نشانی:

.https://data.worldbank.org/indicator/PA.NUS.PPP?locations=IR-US

پرمه، محمد زورار (۱۳۸۴). بررسی یارانه انرژی و آثار افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر سطوح قیمت‌ها در ایران. *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۳۴.

پرمه، محمد زورار؛ ملکی، بهنام؛ بانویی، علی‌اصغر؛ اندیش، یعقوب و کریمی، مهدی (۱۳۹۰). برآورد اثرات طرح تحول هدفمندسازی یارانه حامل‌های انرژی بر سطح قیمت کالاها و خدمات. *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۵۸.

پروین، سهیلا و مستعلی پارسا، مریم (۱۳۹۵). آثار اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر شاخص هزینه زندگی خانوار زن سرپرست: رهیافت الگوی قیمتی ماتریس حسابداری اجتماعی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال بیست و یکم، زمستان، شماره ۶۹.

پوراحمد، احمد؛ مهدی، علی و مهدیان بهنمیری، معصومه (۱۳۹۴). تحلیل تأثیر اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بر شاخص‌های سلامت شهری (سلامت تغذیه و امنیت غذایی) در منطقه‌های چهارگانهٔ کلان‌شهر قم. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۷ (۳ [پیاپی ۹۳]).

پیش‌بهار، اسماعیل و خدابخشی، سمانه (۱۳۹۳). اثرات حذف یارانه نهاده‌های کشاورزی بر الگوی کشت محصولات زراعی شهرستان ورامین. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۶، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۲۲).

تشکینی، احمد (۱۳۹۳). بررسی آثار هدفمندی یارانه‌ها بر بخش کشاورزی ایران. *مدل‌سازی اقتصادی*، ۸ (۱ [پیاپی ۲۵]).

تشکینی، احمد؛ عریانی، بهاره و صبوری دیلمی، محمد (۱۳۸۸). نظام پرداخت یارانه حامل‌های انرژی: مشکلات و ضرورت بازنگری آن. *مجله اقتصادی*، شماره ۱۰۱.

توکلی، محمدجواد (۱۴۰۲–الف). ارزیابی عدالت اقتصادی در سیاست حذف یارانه پنهان حامل‌های انرژی از منظر اقتصاد اسلامی. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۵، پاییز و زمستان (۱ [پیاپی ۲۹]).

توکلی، محمدجواد (۱۴۰۲–ب)، *سیاست‌های ارزی پیشنهادی محققان اقتصاد اسلامی به دولت سیزدهم*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا. چاپ اول.

جبل‌عاملی، فرخنده و گودرزی فراهانی. یزدان (۱۳۹۲). تأثیر هدفمندی یارانه بر میزان تقاضای آب مصرفی شهری در قم. *مدل‌سازی اقتصادی*، سال هفتم، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۲۲).

جبل‌عاملی، فرخنده؛ گودرزی فراهانی و یزدان (۱۳۹۴). تأثیر اصلاح یارانه بر مصرف حامل انرژی در ایران: مطالعه موردی مصرف بنزین، نفت و گازوئیل. *مجلس و راهبرد*، سال بیست و دوم، بهار، شماره ۸۱.

جعفری صمیمی، احمد؛ اثناعشری، ابوالقاسم و محنت‌فر، یوسف (۱۳۸۴). بررسی اثرات اقتصادی یارانه بنزین بر رشد اقتصادی در ایران: یک تحلیل تجربی (۱۳۵۰–۱۳۸۱). *پژوهشنامه اقتصادی*، پاییز، شماره ۱۸.

جعفری، مهدی؛ شهرکی، جواد و اکبری، احمد (۱۳۹۷). بررسی اثرات حذف یارانه حامل‌های انرژی بر تولید گل‌های زینتی شهرستان محلات. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۱۰، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۴۰).

جلایی اسفندآبادی، سید عبدالمجید و افشارپور، مهلا (۱۳۹۹). صادرات ضمنی یارانه حامل‌های انرژی در ایران (۱۳۸۷–۱۳۹۵). *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، سال بیستم، زمستان، شماره ۴.

جلایی، اعظم؛ بختیار، مهدی و اکبری، نعمت‌الله (۱۳۹۷). تحلیل فضایی تأثیر قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بر مصرف انرژی خانوار. *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال هفتم، بهار و تابستان، شماره ۱.

جهانگیرپور، درنا؛ پیکانی، غلامرضا؛ حسینی، سید صفدر و رفیعی، حامد (۱۳۹۴). اثر سیاست حذف یارانه حامل‌های انرژی بر الگوی کشت زراعت؛ کاربرد برنامه‌ریزی ریاضی مثبت (PMP)؛ مطالعه موردی: حوضه آبریز مهارلو–بختگان. *اقتصاد کشاورزی*، دوره ۹، پاییز، شماره ۳ (پیاپی ۳۵).

چنگی آشتیانی، علی و جلولی، مهدی (۱۳۹۱). برآورد تابع تقاضای برق و پیش‌بینی آن تا افق ۱۴۰۴ با توجه به هدفمندی یارانه‌ها. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، شماره ۷.

حاضری نیری، هاتف و حسینی نسب، سید ابراهیم (۱۳۹۳). تحلیل تعادل عمومی محاسبه‌پذیر اثرات رفاهی اصلاح یارانه حامل‌های انرژی: شاخص تغییرات معادل هیکس. *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، سال چهاردهم، تابستان، شماره ۲.

حسینی نسب، سید ابراهیم و حاضری نیری، هاتف (۱۳۹۱). تحلیل تعادل عمومی محاسبه‌پذیر از اثر اصلاح یارانه حامل‌های انرژی بر تورم و تولید ناخالص داخلی. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، شماره ۷.

حسینی، سید جعفر؛ مهدوی عادلی، محمدحسین و رزمی، محمدجواد (۱۳۹۳). خوانشی نهادی از نظام مسائل سیاست‌گذاری در حقوق مالکیت: مطالعه موردی صنعت نفت ایران. *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۱۵ (۲ [پیاپی ۴۰])، ۲۹–۵۴.

حسینی، سید صفدر، پاکروان چروده، محمدرضا و سلامی، حبیب‌الله (۱۳۹۵). تأثیر اجرای سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها بر امنیت غذایی در ایران. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۲۱، تابستان، شماره ۶۷.

حمزه‌ای، مجید؛ عنابستانی، علی‌اکبر و جوان، جعفر (۱۴۰۱). تأثیر اجرای هدفمندی یارانه‌ها بر فقر و ناپایداری اقتصاد خانوار روستایی در ایران؛ مطالعه موردی: روستاهای شهرستان نیشابور. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال دوازدهم، بهار، شماره ۴۵.

حوری جعفری، حامد، و فرهمندپور، بهاره (۱۳۸۷). یارانه‌های انرژی و تأثیر آن بر بخش‌های مختلف اقتصاد. *بررسی مسائل اقتصاد انرژی*، شماره ۲.

حیدری، بهاره (۱۴۰۳). سناریوهای حکمرانی انرژی برای غلبه بر ناترازی انرژی و ناپایداری محیط زیست در ایران. *راهبرد*، ۳۳ (۱۱۲)، ۶۱۷-۶۳۸.

حیدری، حسن و ملابهرامی، احمد (۱۳۹۲). تأملی بر اجرای فاز دوم هدفمندسازی یارانه‌ها با تمرکز بر سهم انرژی در تولید با استفاده از یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال هجدهم، پاییز، شماره ۵۶.

خدادادکاشی، فرهاد و موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۹۸). ارزیابی تأثیر پرداخت یارانه بر کاهش فقر در ایران. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیست و هفتم، بهار، شماره ۸۹.

خرمی مقدم، سیمین؛ زارع مهرجردی، محمدرضا؛ مهرابی بشرآبادی، حسین و بخشوده، محمد (۱۳۹۱). تحلیل الگوی مصرفی کالاهای مشمول یارانه؛ کاربرد سیستم تقاضای تقریباً ایدئال درجه ۲. *اقتصاد کشاورزی*، شماره ۲۴.

خرمی مقدم، سیمین؛ زارع مهرجردی، محمدرضا؛ مهرابی بشرآبادی، حسین و بخشوده، محمد (۱۳۹۳). تحلیل اثر کاهش یارانه مواد غذایی بر روی نابرابری درآمدی. *اقتصاد کشاورزی*، دوره ۸، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۲۹).

خسروی‌نژاد، علی‌اکبر؛ برخورداری، سجاد و پرمه، زوار (۱۳۹۵). ارزیابی آثار هدفمندی یارانه‌ها و بازار بدهی بخش دولت بر اقتصاد ایران؛ رویکرد تعادل عمومی. *اقتصاد مالی*، سال ۱۰، پاییز، شماره ۳۶.

خوشدل، آمنه و عباسی، ابراهیم (۱۳۹۴). مقایسه مصرف کالاهای اساسی خانوارهای فقیر و متوسط قبل و بعد از نقدی‌سازی یارانه‌ها. *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، سال پانزدهم، زمستان، شماره ۴.

درویشی، باقر و محمدیان، فرشته (۱۳۹۸). تحول فقر در استان ایلام طی برنامه‌های دوم تا پنجم توسعه؛ با تأکید بر آثار سیاست هدفمندی یارانه‌ها. *مجلس و راهبرد*، سال بیست و ششم، زمستان، شماره ۱۰۰.

ذاکری‌نیا، محمد و فضلی، مسعود (۱۴۰۳). واکاوی اثر پرداخت یارانه‌های نقدی بر مصرف خانوار؛ مطالعه موردی: سیاست هدفمندی یارانه‌ها. *امنیت اقتصادی*، دوره ۱۲، خرداد، شماره ۳ (پیاپی ۱۲۲).

رضائی، محمدجواد و موحدی بک‌نظر، مهدی (۱۳۹۹). ملاحظاتی در باب تحول در علوم اجتماعی با تأکید بر بنیان‌های تحلیل اقتصادی. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۴ (۲).

رضایی‌پور، محمد و آقایی خوندابی، مجید (۱۳۹۰). اثر شوک‌های مخارج یارانه‌ای دولت بر مصرف واقعی بخش خصوصی ایران. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۶۰.

رنجبر، همایون؛ فطرس، محمدحسن و کبیریان، مهری (۱۳۹۳). تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر تغییرات معادل رفاه مصرف‌کننده در ایران. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، سال ۳، بهار، شماره ۹.

ریاحی، وحید و سلطان‌آبادی، ملیحه (۱۳۹۷). اثرات اقتصادی هدفمندی یارانه‌ها بر معیشت خانوارهای روستایی شهرستان خوشاب. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال هفتم، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۲۳).

رئیس‌پور رجبعلی، علی؛ زاینده‌رودی، محسن و صفوی گردینی، محمدرضا (۱۴۰۴). آثار کاهش یارانه کالاهای اساسی بر الگوی تجارت. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، سال ۲۵، تابستان، شماره ۲.

سالم، علی‌اصغر و مروت، حبیب (۱۳۹۷). تجزیه و تحلیل اثر هدفمندی یارانه‌ها بر مصرف آب خانگی در مناطق شهری کشور؛ رهیافت سیستم معادلات تقاضا. *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، سال هجدهم، زمستان، شماره ۴.

سپهردوست، حمید (۱۳۹۲). اثر کارآمدی یارانه کالاهای اساسی بر توزیع درآمد؛ مطالعه موردی استان همدان. *بررسی‌های بازرگانی*، مرداد و شهریور، شماره ۶۰.

سعیدی‌راد، مجید؛ ایمانی، بهرام؛ رحمانی، بیژن و حسینی، محمدرضا (۱۳۹۷). واکاوی اثرات اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در بخش حمل و نقل و انرژی بر شاخص‌های توسعه گردشگری روستایی، مورد: گردشگری روستاهای شهرستان بروجرد. *فضای گردشگری*، سال هفتم، بهار، شماره ۲۶.

سفلایی شهربابک، الهام؛ موسوی، سید حبیب‌الله و مرتضوی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۷). پیامدهای حذف یارانه نان بر تغییر نرخ وابستگی به واردات و امنیت غذایی. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۱۰، پاییز، شماره ۳ (پیاپی ۳۹).

سلامی، حبیب‌الله و سرایی شاد، زینب (۱۳۸۹). تخمین میزان افزایش قیمت گندم تولیدی در اثر حذف یارانه سوخت. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، شماره ۶.

سلطانی، علیرضا و حیدری منور، علی (۱۳۹۹). بررسی آثار اقتصادی و اجتماعی طرح هدفمندی یارانه‌ها بر سطح رفاه خانوارها؛ نمونه موردی شهر تبریز. *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۹ (۲).

سمیعی‌نسب، مصطفی (۱۴۰۲). یارانه انرژی در ایران و تبعات آن. *امنیت اقتصادی*. ۱۱ (۵). ۴۹-۵۶.

سمیعی‌نسب، مصطفی (۱۴۰۳). راهبردهای بهینه‌سازی انرژی با هدف کاهش ناترازی و ارتقای امنیت انرژی کشور. *امنیت اقتصادی*، ۱۲ (۱۰). ۱۵-۲۸.

شاهمرادی، اصغر؛ حقیقی، ایمان و زاهدی، راضیه (۱۳۹۰). بررسی اثرات افزایش قیمت حامل‌های انرژی و پرداخت یارانه نقدی در ایران: رویکرد CGE. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۵۷.

شاهمرادی، اصغر، مهرآرا، محسن و فیاضی، نوید (۱۳۸۹). آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی و آثار آن بر رفاه خانوار و بودجه دولت از روش داده-ستانده. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، (۴۲)، ۱-۲۴.

شرزه‌ای، غلامعلی؛ خلیلی عراقی، منصور و برخورداری، سجاد (۱۳۹۳). اصلاح یارانه‌های انرژی و مسیر زمانی مصارف انرژی (رهیافت مدل DCGE). *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۹، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۱۰۹).

شریفی رنانی، حسین؛ هنرور، نغمه و محمدی، مرتضی (۱۳۹۱). بررسی اثرات بلندمدت حذف یارانه حامل‌های انرژی بر تولید و تورم در ایران. *انرژی ایران*، شماره ۴۱.

شریفی، علی‌مراد؛ صادقی، مهدی، و قاسمی، عابدین (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات تورمی ناشی از حذف یارانه حامل‌های انرژی در ایران. *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۳۱.

شریفی، علی‌مراد و شاکری، ابوذر (۱۳۹۰). هدفمند کردن یارانه حامل‌های انرژی و تحلیل تقاضای پویای نهاده انرژی در صنایع کارخانه‌ای ایران. *پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۳.

شکیبایی، علیرضا (۱۳۹۰). بررسی نقش هدفمندی یارانه‌ها بر کارایی مصرف آب در بخش‌های ایران. *توسعه و سرمایه*، شماره ۷.

شمشادی، کتایون و خلیلیان، صادق (۱۳۸۹). تأثیر سیاست یارانه‌ای دولت در تولید محصول گندم آبی. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۸ (۷۰).

شهرکی، جواد؛ حسینی، سید مهدی و خزاعی، صادق (۱۳۹۵). تحلیل اثرات هدفمندسازی یارانه آب کشاورزی بر بخش کشاورزی ایران؛ مدل تعادل عمومی محاسبه‌پذیر. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۸، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۳۰).

شهنازی، روح‌الله؛ شهسوار، محمدرضا و مبشری، محمدحسین (۱۳۹۳). توزیع درآمد و وضعیت رفاه خانوارها قبل و بعد از هدفمندی یارانه‌ها. *رفاه اجتماعی*، ۱۴ (۵۴).

صادقی، حجت؛ تقدیسی، احمد و کاووسی، الهه (۱۳۹۳). بررسی اثرات هدفمندی یارانه‌ها در بهبود رفاه اجتماعی روستائیان؛ مطالعه موردی: بخش دهدز شهرستان ایذه. *مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، سال ششم، تابستان، شماره ۲۱.

صادقی، زین‌العابدین؛ محمدشیرازی، حمیده و شکیبایی، علیرضا (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ریسک قیمت انرژی ناشی از هدفمند کردن یارانه‌ها بر بودجه خانوارهای شهری ایران. *اقتصاد شهری*، سال سوم، پاییز و زمستان، شماره ۲.

صفوی گردینی، محمدرضا؛ رئیس‌پور رجبعلی، علی و زاینده‌رودی محسن (۱۴۰۴). تحلیل آثار رفاهی حذف یارانه کالاهای اساسی؛ کاربردی از الگوی GTAP. *توسعه و سرمایه*، سال ۱۰، بهار و تابستان، شماره ۱ (پیاپی ۱۸).

صیادی، محمد؛ ابراهیمی، محسن و حسن‌زاده، زینب (۱۴۰۴). ارزیابی رابطه بین یارانه انرژی و ردپای اکولوژیکی در قالب منحنی کوزنتس محیط زیستی در کشورهای منتخب. *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۶۰، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۵۱).

طاهری، فرزانه؛ موسوی، سید نعمت‌الله و رضایی، محمدرضا (۱۳۸۹). اثر حذف یارانه انرژی بر هزینه‌های تولید کلزا در شهرستان مرودشت. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، شماره ۷.

عاملی، احمد (۱۳۹۰). مدل‌سازی توابع رفاه اجتماعی (مطالعه موردی: توزیع یارانه انرژی). *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، شماره ۳.

عبادی، جعفر، و قوام، محمدحسین (۱۳۸۸). هدفمندسازی یارانه دارو از دو منظر عدالت و کارایی. *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۸۶.

عباسیان، عزت‌الله و اسدبیگی، زهرا (۱۳۹۱). ارتباط هدفمندسازی یارانه‌های انرژی با رفاه اجتماعی از مسیر رشد اقتصادی. *رفاه اجتماعی*، شماره ۴۴.

عربی، سید هادی؛ رضایی، محمدجواد و موحدی بکنظر، مهدی (۱۳۹۲). نظریهٔ «اخلاق هنجاری» و دلالت‌های آن در سیاست‌گذاری اقتصادی؛ درس‌هایی برای اقتصاد اسلامی. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۴ (۲ [پیاپی ۸]).

عربی، سید هادی و زندی، حسین (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری اقتصادی از منظر اخلاق فضیلت؛ درس‌هایی برای اقتصاد اسلامی. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۲۳ (۱ [پیاپی ۹۰])، ۷-۳۳.

عزیزی، جعفر و فروغی رودسری، مجتبی (۱۳۹۶). بررسی اثرات اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها بر خودکفایی جو در ایران. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۹ (۴ [پیاپی ۳۶]).

عزیزی، وحید؛ مهرگان، نادر و یاوری، غلامرضا (۱۳۹۵). تأثیر سیاست‌های حمایتی و هدفمندسازی یارانه‌ها بر امنیت غذایی خانوارهای شهری در ایران. *برنامه‌ریزی و بودجه*، سال بیست و یکم، تابستان. شماره ۲ (پیاپی ۱۳۳).

علیپور، محمدصادق و شریعت جعفری، مینا (۱۳۹۶). بررسی آثار هدفمندی یارانه‌ها بر بهره‌وری صنایع غذایی؛ مقایسه قبل و بعد از اجرای هدفمندی. *پژوهشنامه اقتصاد و کسب‌وکار*، سال ۸، بهار، شماره ۱۴.

علیجانی، فاطمه؛ سالارپور، ماشاءالله و صبوحی، محمود (۱۳۹۱). ارزیابی اثر حذف یارانه تولید بر بخش کشاورزی در قالب مدل تعادل عمومی. *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، شماره ۳.

علیشیری، هدیه؛ اسماعیلی، زهرا؛ امینی ولاشانی، سهراب و اولیاء، زهره (۱۴۰۱). پیامدهای یارانه انرژی بر ناترازی عرضه و تقاضای انرژی در کشورهای مختلف. *مجله اقتصادی*، ۲۲ (۹ و ۱۰)، ۹۹-۶۹.

علی‌مددی، علی؛ نظری، عبدالحمید؛ مرادی، محمود و غفاری رامین (۱۳۹۵). اثرات طرح هدفمندی یارانه‌ها بر الگوی مصرف خانوارهای روستایی با رویکرد معیشت پایدار در شهرستان‌های کلات و بینالود. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال پنجم، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۶).

غلامپور راد، مسعود (۱۳۹۵). شناسایی انواع چارچوب‌های رسانه‌ای ایجادشده توسط رسانه‌های رقیب برای شکل‌دهی به خط‌مشی‌های عمومی در ایران؛ مطالعه موردی هدفمندی یارانه‌ها. *مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۶ (۱ [پیاپی ۱۱]).

فتحی، فاطمه و بخشوده، محمد (۱۳۹۵). تغییرات امنیت غذایی ناشی از سیاست حذف یارانه انرژی در بازار گوشت ایران. *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، جلد ۳۰. بهار، شماره ۱.

فتحی، فاطمه و بخشوده، محمد (۱۳۹۸). اولویت‌بندی راهکارهای مقابله با اثرات هزینه‌ای حذف یارانه انرژی به‌وسیلهٔ تولیدکنندگان مرغ گوشتی. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۱۱، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۴۱).

فرزانه، احسان و حسینی، مجید (۱۳۹۹). بررسی شیوه و نتایج اجرای برنامه تعدیل ساختاری در ایران. *تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی*، ۲ (۴)، ۱۰۶-۱۲۵.

قاسمی، مریم؛ عبداللهی، سمانه و خاکشور امان‌آباد، حدیثه (۱۳۹۳). تحلیل اثرات مرحلهٔ اول طرح هدفمندی یارانه‌ها بر خانوارهای روستایی؛ مطالعهٔ موردی: شهرستان بینالود. *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، سال سوم، تابستان، شماره ۶.

قربان‌نژاد، مجتبی (۱۳۸۹). تأثیر هدفمند کردن یارانه حامل‌های انرژی بر تورم و رشد اقتصادی ایران. *انرژی ایران*، ۱۳ (۳۶).

قربانی، حسین؛ غفاری، هادی؛ نوری، عباس و تقوایی، الهام (۱۳۹۶). تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران؛ با تأکید بر هدفمندی یارانه‌ها. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال پنجم، تابستان، شماره ۱۸.

کاظمی، سید عباس، و جلیلی بوالحسنی، حسین (۱۴۰۱). تدوین مدل ارزیابی طرح‌های هدفمندی یارانه‌ها مبتنی بر رویکرد اقتصاد مقاومتی. *اقتصاد دفاع و توسعه پایدار*، ۷ (۲۳)، ۱۱۹-۱۴۱.

کرباسی، علی‌رضا و کاتب، معصومه (۱۳۹۰). بررسی آثار رفاهی حذف یارانه کود شیمیایی بر محصولات گندم و جو. *اقتصاد کشاورزی*، شماره ۱۸.

کرمی، سعید؛ راسخی، سعید و احسانی، مجتبی (۱۳۸۸). بررسی تقاضای مواد غذاییِ مشمول یارانه در مناطق شهری ایران با استفاده از مدل AIDS به‌منظور اولویت‌بندی تخصیص یارانه. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۳۹.

کریمی‌نژاد، فهیمه؛ حقیقی‌راد، فرزاد و رئیسی، صدیق (۱۳۹۱). تحلیل هزینه‌های لجستیک شرکت‌های کوچک و متوسط و اثر طرح هدفمندی بر آن. *مدیریت صنعتی سنندج*، شماره ۲۱.

کشاورز حداد، غلامرضا؛ فیروزان سرنقی، توحید و صادقی سقدل، حسین (۱۳۹۱). ارزیابی کارایی تخصیصی طرح هدفمندسازی یارانه انرژی در صنایع کشور. *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۱.

کشاورز حداد، غلامرضا، و مرتضی‌زاده، حامد (۱۳۸۹). تحلیل اثرات تخصیصی تثبیت قیمت بنزین در چارچوب یک مدل تعادل عمومی قابل‌محاسبه. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش۴۲.

کشیری کلایی، فاطمه؛ حسینی یکانی، سید علی و اسپانلو، محبوبه (۱۳۹۶). آثار حذف یارانه کود شیمیایی بر رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان؛ مطالعه موردی: محصول برنج. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال بیست و پنجم، تابستان، شماره ۹۸.

کهنسال، محمدرضا و پرمه، زورار (۱۳۹۶). برآورد تأثیر کاهش یارانه‌های بخش کشاورزی بر تولید و اشتغال آن. *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، سال هفدهم، بهار، شماره ۱.

گلی، یونس و منیری، محمدرضا (۱۳۹۷). هدفمندسازی یارانه‌ها و ترکیب محصولات کشاورزی در سبد خانوارهای ایرانی. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال ششم، تابستان، شماره ۲۲.

گودرزی، رحیم؛ صبوحی، محمود؛ شاهنوشی، ناصر؛ مهرابی، حسین و سالارپور، ماشاءالله (۱۳۹۱). شبیه‌سازی اثر هدفمندی یارانه‌ها بر روند رشد اقتصادی، تورم و بیکاری در ایران با استفاده از الگوریتم کنترل بهینه تصادفی OPTCON2. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۷ (۵۳).

محقر، علی؛ شریفی سلیم، علیرضا و زارع میرک‌آباد، علی (۱۳۹۰). طراحی مدل سیاست‌گذاری انرژی در صنعت نفت و گاز؛ گزینه‌های مبتنی بر طرح هدفمندسازی یارانه‌ها. *اقتصاد و تجارت نوین*، شماره ۲۷–۲۸.

محمدی یگانه، بهروز؛ فراهانی، حسین و عباسی، جواد (۱۳۹۶). اثرات هدفمندی یارانه‌ها بر ساختارهای تولید در روستاهای شهرستان زنجان. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال ششم، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۱۹).

محمدی، تیمور؛ عباسی، علی‌اصغر و میرمحمدعلی تجریشی، فاطمه (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی «مقیاس معادل» خانوارهای شهری ایران قبل و بعد از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها. *پژوهشنامه اقتصادی*، سال هجدهم، پاییز، شماره ۳ (پیاپی ۷۰).

محمدی‌پور، علی (۱۴۰۱). بررسی آثار یارانه انرژی بر تحقق توسعه پایدار با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره MADM و رویکردهای ارزیابی TOPSIS و VIKOR؛ مطالعه موردی کشورهای: ایران، چین، هندوستان، عربستان، روسیه، آلمان، آمریکا و ژاپن. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، سال بیست و دوم، زمستان، شماره ۴.

محمودپور، کامران؛ سلیمانی، میلاد و سیستانی بدویی، یاسر (۱۳۹۵). تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر شدت انرژی در صنعت ایران. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال چهارم، تابستان، شماره ۱۴.

محمودزاده، محمود؛ صادقی، سمیه؛ صادقی، ثریا و حمیدی‌افرا، فاطمه (۱۳۹۰). اثر حذف یارانه انرژی برق بر شدت انرژی آن. *برنامه‌ریزی و بودجه*، شماره ۱۱۵.

مدنی‌زاده، سید علی و ابراهیمیان، مهران (۱۳۹۹). مدل‌سازی آزادسازی قیمت‌های انرژی در اقتصاد ایران. *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۶ (۴)، ۵–۴۶.

مظاهری ماربری، مرتضی و خیابانی، ناصر (۱۳۹۶). بررسی اثر کاهش یارانه‌های انرژی بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، سال ۶، بهار، شماره ۲۱.

مقیمی فیض‌آبادی، مریم و شاهنوشی، ناصر (۱۳۹۱). حذف یارانه سوخت و آثار آن بر تولید و هزینه در خراسان رضوی. *پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۳.

منصورفر، غلامرضا و خلیلی، لیلا (۱۳۹۳). سنجش رضایتمندی مردم از طرح هدفمندی یارانه‌ها بر مبنای اهداف دولت. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیست و دوم، تابستان، شماره ۷۰.

موسوی، سید محمدعلی و توکلی، محمدجواد (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی تأثیر ملاک‌های مختلف ارزش داوری اخلاقی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و دلالت‌های آن برای اقتصاد اسلامی. *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، ۲۶ (۱۰۳)، ۸۵–۱۰۰.

موسوی، سید نعمت‌الله (۱۳۹۳). بررسی آثار رفاهی هدفمند کردن یارانه انرژی بر بهره‌برداران شیلات استان فارس. *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، جلد ۲۸، زمستان، شماره ۴.

موسوی، سید نعمت‌الله؛ فرج‌زاده، ذکریا و طاهری، فرزانه (۱۳۹۱). اثرات رفاهی کاهش یارانه انرژی در بخش کشاورزی ایران. *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، شماره ۴.

مولایی، محمد، مسلم یعقوبی (۱۳۹۴). تقاضا برای گاز طبیعی در بخش خانگی در منطقه ۷ ایران (با ملاحظه قانون هدفمندی یارانه‌ها). *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)*، سال چهارم، زمستان، شماره ۱۷.

مومیوند، جمال؛ ابونوری، اسماعیل؛ عرفانی، علیرضا و مداح، مجید (۱۳۹۳). تأثیر مرحلهٔ دوم هدفمندی یارانه‌ها بر تقاضای برق خانگی در ایران. *اقتصاد منابع طبیعی*، سال سوم، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۴).

مهینی‌زاده، منصور؛ فیض‌پور، محمدعلی و عابدی، مریم (۱۳۹۶). تجزیه و تحلیل کارایی نهاده برق در صنایع تولیدی ایران با تأکید بر هدفمندسازی یارانه‌ها. *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)*، سال ششم، بهار، شماره ۲۲.

ناجی میدانی، علی‌اکبر و ستوده نیاکرانی، سلمان (۱۳۹۳). اثر حذف یارانه انرژی بر ساختار هزینه‌ای صنعت در ایران. *مدل‌سازی اقتصادی*، ۸ (۴ [پیاپی ۲۸]).

ناصری، علیرضا، صبوری دیلمی، محمدحسن، و عریانی، بهاره (۱۳۸۸). بررسی یارانه حامل‌های انرژی در اقتصاد ایران و ضرورت بازنگری در آن. *اقتصاد و جامعه*، شماره ۱۹–۲۰.

نبی‌زاده، مجتبی؛ کاووسی کلاشمی، محمد؛ حیدری، رضا؛ روشن‌فر، محمدعلی (۱۳۹۵). تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر الگوی انتقال قیمت بازار گوشت گوسفند در ایران. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۸، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۲۹).

نجفی، بهاءالدین و فرجزاده، زکریا (۱۳۸۹–الف). ارزیابی آثار رفاهی کاهش یارانه کود شیمیایی در بازار گندم و برنج. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، زمستان، شماره ۷۲.

نجفی، بهاءالدین و فرجزاده، زکریا (۱۳۸۹–ب). اثرات رفاهی حذف یارانهٔ کود شیمیایی بر مصرف‌کنندگان گندم (نان). *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۲، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۵).

نصراللهی، اکبر و نیک‌پور، حسین (۱۳۹۱). پوشش اخبار قانون هدفمندی یارانه‌ها در تلویزیون؛ بررسی موردی: اخبار ساعت ۱۴ شبکه یک سیما و ساعت ۱۳ شبکه خبر سازمان صداوسیما. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۹ (۲ [پیاپی ۷۰]).

نصراللهی، خدیجه و حسینی، رضا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حذف یارانه انرژی بر رقابت‌پذیری صنعت لاستیک ایران. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، شماره ۶.

نظری، حسن‌آقا؛ توتونچیان، ایرج؛ توکلی، محمدجواد؛ مجاهدی مؤخر، محمدمهدی؛ توسلی، محمداسماعیل؛ ثابت، سید عبدالحمید؛ درخشان، مسعود؛ عیوضلو، حسین؛ معصومی‌نیا، غلامعلی؛ مختاربند، محمود؛ میرزایی، حسین؛ محقق‌نیا، محمدجواد و صمصامی، حسین (۱۴۰۰)، *پول، بانک و سیاست‌های پولی پیشنهادی به دولت سیزدهم از نگاه اقتصاد اسلامی*. تهران: انتشارات آفتاب توسعه. چاپ اول.

نعمت‌اللهی، زهرا؛ شاهنوشی، ناصر؛ جوان‌بخت، عذری و دانشور کاخکی، محمود (۱۳۹۴). ارزیابی آثار هدفمندسازی یارانه حامل‌های انرژی بر فعالیت‌های تولیدی. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال پنجم، تابستان، شماره ۱۹.

نوراللهی، عفت؛ قاسمی، مریم و نوغانی، محسن (۱۳۹۶). اثربخشی هدفمندی یارانه‌ها بر کیفیت زندگی روستاییان؛ مورد: روستاهای بخش احمدآباد شهرستان مشهد. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال ششم، پاییز، شماره ۳ (پیاپی ۲۱).

نیلی، مسعود (۱۳۸۵)، *اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، به کوشش بهمن احمدی امویی (مجموعه مصاحبه). تهران: گام نو.

نیلی، مسعود (۱۳۸۸). چالش‌های کسب‌وکار انرژی در ایران؛ آزادسازی بر خصوصی‌سازی اولویت دارد. *گستره انرژی*، (۲۵ و ۲۶)، ۱۰-۱۱.

ودادهیر، ابوعلی؛ امیدوار، نسرین؛ محمدی نصرآبادی، فاطمه؛ خوش‌فطرت، محمدرضا؛ ذوقی، تلما؛ حیدری، هما و دادخواه، منیره (۱۳۹۴). تحلیل تجارب زیسته زنان خانوار در مورد سیاست هدفمندی یارانه‌ها و نقدی شدن آن؛ یک مطالعه کیفی در شهر تهران. *رفاه اجتماعی*، سال ۱۵، پاییز، شماره ۵۸.

وهابی، محمدمهدی، و هندی، سید صالح (۱۳۸۶). تأثیر یارانه انرژی در تأمین عدالت اجتماعی. *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۲۶.

هاسمن، دانیل و مک‌فرسون، مایکل (۱۳۹۲). فلسفهٔ اخلاق را جدی بگیریم: اقتصاد و فلسفهٔ اخلاق معاصر. *مجموعه مقالات عدالت اقتصادی*. گردآوری و ترجمه: محمد نعمتی و همکاران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول.

هاسمن، دانیل و مک‌فرسون، مایکل (۱۳۹۸). تحلیل اقتصادی، فلسفه اخلاق و سیاست عمومی. ترجمه سید هادی عربی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

Buchanan, James M. (1959). Positive Economics, Welfare Economics, and Political Economy, *Journal of Law and Economics*, Vol. 2, No.1.